



نشریه ویژه امام زمان
مهدویان ۱۴۹۵ / ۰۸ / ۱۸
صفحه عجل الل تعالی فرج جهالشیرف

پرونده‌های این شماره

- پیغام روح به نور
- برای از تو نوشتند
- کوی انتظار
- بز مردم مستقیم



لذتمندی
یا عهدی

مجانی آن خواهد آمد

(۱۶)





امام زمان علیه السلام هنگام ظهور در کنار خانه کعبه می‌ایستد و پنج ندامی دهد:

الأول: الأياهـلـالـعـالـمـأـنـالـإـمـامـالـقـائـمـ، **الثـانـي:** الأياهـلـالـعـالـمـأـنـالـصـمـصـامـالـمـنـتـقـمـ، **الـكـاثـلـ:** الأياهـلـالـعـالـمـأـنـجـذـىـالـحـسـينـقـتـلـوـهـعـطـشـانـ، **الـرـابـعـ:** الأياهـلـالـعـالـمـأـنـجـذـىـالـحـسـينـعـلـيـهـالـسـلـامـ طـرـحـوـهـعـرـبـانـ، **الـخـامـسـ:** الأياهـلـالـعـالـمـأـنـجـذـىـالـحـسـينـعـلـيـهـالـسـلـامـمـحـقـوـمـعـدـوـانـ.

آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم، آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده، آگاه باشید ای اهل عالم که جدم حسین را تشنۀ کام کشتند، آگاه باشید ای اهل عالم که جدم حسین را عربیان روی خاک افکندند، آگاه باشید ای جهانیان که جدم حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند.

هو الملک الحق المبين



نشریه ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
مهر و آبان ۱۳۹۵ ۴۸ صفحه

ویژه امام زمان

شناختن از

اولین شماره نشریه الکترونیک امان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

همکاران این شماره: تقی حاتمی، مهدیه سعیدی نشاط،

فاطمه اسدالهی، سیده معصومه شکرگذار، زینب

نوروزی خرمدشتی، زهره رجبی شیزدری

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس،

تقاطع ایتالیا، پلاک ۹۸

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰

پست الکترونیک: info@mahdaviat.ir



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، به عنوان نهادی فرهنگی،
غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای
تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه
فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه - به ویژه نسل جوان - با
شخصیت امام مهدی(عج) و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از
کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام
والمسلمین قرائتی در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

پورتال جامع مهدویت

پورتال جامع مهدویت، شبکه‌ای است که ارتباط میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان محتوا درباره موضوع مهدویت را برقرار می‌کند و به عنوان مرجعی تکمیل‌شونده، فعالیتهای علاقمندان و فعالان حوزه مهدویت را مدیریت می‌کند و هدف اصلی آن، زمینه‌سازی برای «آموزش عمومی مهدویت» است.
پورتال جامع مهدویت دروازه‌ای است به سوی آگاهی، دانایی و همکاری درباره امام موعود.

مجتمع یاوران حضرت مهدی(عج)

مجتمع فرهنگی آموزشی یاوران حضرت مهدی(عج) در جوار مسجد مقدس جمکران در سال ۱۳۸۶ توسط بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) راهاندازی شده و آماده پذیرایی و ارایه خدمات رفاهی و نیز ارتقای سطح معرفتی میهمانان از طریق برگزاری برنامه‌ها و کلاس‌های آموزش معارف مهدویت می‌باشد.

انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) در حوزه معارف مهدویت و برای گروه‌های سنی بزرگسال، نوجوان و کودک به تدوین کتب و منشورات و محصولات فرهنگی می‌پردازد و تاکنون بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب در حوزه مهدویت به چاپ رسانده است.

سامانه پاسخگویی پیامکی

کارشناسان علمی مهدویت با استفاده از سامانه پیامکی ۳۰۰۰ ۱۳۶۶ به پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات وارد در حوزه مهدویت می‌پردازند که تاکنون به بیش از ۳۰۰۰ پرسش مخاطبان از طریق این سامانه پاسخ داده شده است.

فرهنگ، آموزش، پژوهش

آموزش مهدویت، علاوه بر بخورداری از جایگاهی مهم و رفیع در آموزه‌های اسلامی، از پرمخاطب‌ترین موضوعات در برنامه‌های رایج در سطح مراکز آموزشی و فرهنگی است که بی‌شک با درنظرگرفتن منابع و امکانات محدود موجود در مقابل حجم نیازها و کمبودهای آموزشی و فرهنگی، مستلزم آسیب‌شناختی و برنامه‌ریزی است؛ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) با مدیریت و ساماندهی فعالیتهای کنونی و ثبت دوره‌های برگزار شده در سطح کشور، بر کیفیت برگزاری آنها نظارت و برنامه‌ریزی دقیقی برای ارتقای سطح کیفی آموزش جاری در حوزه مهدویت دارد.



فهرست مطالب



تنها یاد تو ...

۱۶/ داستان

ثانیمهای مانده تا ظهور

۱۹/ قطعه ادبی

ای غایب از نظر ...

۲۰/ یادداشت - بزرگداشت حافظ

از فرات تا فرات

۲۲/ کتابگردی

سری به نیزه بلند است

۲۶/ شعر



انتظار بر سر دوراهی

۶/ درس گفتاری از استاد رحیم پور از غدی

زنده‌گی به رنگ انتظار

۸/ یادداشت

ولایت ائمه معیار است

۱۰/ یادداشت

سریازان خورشید

۱۲/ کتابگردی



انتظار عالمانه

۲۸/ پای صحبت‌های آقا

نهضت مردمی

۳۰/ معرفی منتظران

پرسش و پاسخ از حسین تا مهدی

۳۴/ اتاق پاسخگویی

دانشگاه منتظر

۳۸/ راهنمای



من مانی یا من روی ...

۴۰/ یادداشت

پرچم روی زمین نمی‌ماند

۴۲/ مقاله

کلهم نور واحد

۴۵/ دلنوشته

مصطفیت هزار ساله

۴۶/ کتابگردی

آلیوم عاشورا، از حسین تا مهدی

۴۷/ معرفی کتاب

تو را من چشم در راهم

۴۸/ راهنمای

پنجره‌ای رو به نور

ممکن است نتوانیم تمام تاریکی‌ها را از بین
ببریم
اما سعی خواهیم کرد،
با همین روشنایی کوچک
فرق ظلمت و نور
و حق و باطل را
نشان دهیم...
و هر که به دنبال نور باشد،
این نور هر چند کوچک،
در دل او بزرگ خواهد شد.^{*}
پنجره‌ای رو به نور، دریچه‌ای سست برای ورود
به سبک و سیاق زندگی مهدوی.

* برگرفته از گفتار شهید چمران

انتظار بر سر دوراهن

درس گفتاری از استاد رحیم پور از غدی

زندگی بهرنگ انتظار

یادداشت

ولایت ائمه معیار است..

یادداشت

سر بازان خورشید

کتابگردی



انتظار بر سر دو راهی

استاد حسن رحیم پور از غدی

دریافت صوت کامل سخنرانی در

mahdaviat.ir



به انتظار نشسته‌ایم یا به انتظار ایستاده‌ایم

بحث سر تفکیک دونوع انتظار است اینکه کدام انتظار، انتظار فرج است و به تعبیر روایات، خود این انتظار فرج، گشایش است و بهترین و بزرگترین عبادات و اینکه کدام انتظار ضد فرج است و در واقع انتظار نیست.

در اینجا در مزیناندی بین دونوع انتظار برای امام زمان علیهم السلام بر اساس روایات و تعبیری که خود اهل بیت علیهم السلام در باب انتظار و قیام آخر الزمان بیان نموده‌اند بحث خواهد شد.

۱۳۹۶/۰۳/۱۱

انتظار واقعی و شبیه انتظار

ماروایات متعددی داریم مثل این تعبیر از امام سجاد علیهم السلام که فرمودند: هر کس در عصر غیبت در انتظار قائم ما، انقلابی بزرگ و جهانی اهل بیت علیهم السلام و در مسیر حق و عدالت و در مسیر توحید، فدائکاری و تلاش کند و از دنیا برود و تا آخر عمر در این مسیر بماند، پاداش هزار شهید بدرو احاد را خواهد برداشت پیش چشم پیامبر و در رکاب پیامبر جنگیدند و به شهادت رسیلنده!

به یک اتفاق خوب جهت افتادن نیازمندیم

برخی افراد منتظر اند که یک اتفاق خوبی بیافتد بیون اینکه به زحمت بیافتنند؛ از منافع اش به مردمی کنند.
بعضی‌ها هم هستند که عشق به حضرت را دارند اما متسلفته درک درستی از معنی انتظار ندارند و ادبیات انتظار شان طبلکارانه است.

انتظار صدقانه و مجاهدانه و فعالانه یک چنین اجر و منزلت و پاداشی دارد و دارای کارکرد فردی و اجتماعی در عصر غیبت است. از یک طرف هم افراد دیگری هستند که از انتظار، تعابیر خاصی دارند، این افراد صرفاً منتظرند یک اتفاق خوب بیافتد تا بدون اینکه به زحمت بیافند. از منافع اش بهره برداری کنند. بعضی‌ها هم هستند که عشق و محبت به حضرت را دارند، اما متسلفانه درک درستی از معنی انتظار ندارند و ادبیات انتظار شان طبلکارانه است.

این نوع ادبیات نگاه مابه مسئله انتظار را عوض می‌کند، معلوم نیست چه کسی منتظر است و انتظار چه رامی کشد. در زمان قبل از انقلاب نیز یک عده انقلابیون و مجاهدین منتظر بودند و یک عده قاعده‌منظر، مجاهدینی که برای عدالت و توحید فدائکاری می‌کردند، زندان میرفتند و کشته می‌شدند. یک عده هم از کل انتظار فقط جشن و چراغانی و شیرینی نیمه شعبان را داشتند. تفکیک بین این دونوع انتظار که دومی در واقع «شبیه انتظار» است و نه انتظار واقعی بحاجت نظر می‌رسد.

تعابیر امیر المؤمنین از شرایط آخرالزمان را مرور کنیم

در روایتی نزالین سبرة می‌گویند: امیر المؤمنین علی بن أبي طالب علیهم السلام برای ماختبه خواند و بر خدای تعالیٰ حمد و شنا گفت و بر محمد و خاندانش درود فرستاد آنگاه سه بار فرموده‌ای مردم پیش از آنکه مرا از دست بدھید از من پرسش کنید.



۱. بخار الاتوار جلد ۵۲ صفحه ۵۲
۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۷، ح ۱، ص ۵۲۸-۵۲۵

نتیجه غلط دیگری که از این نوع تفکر نشأت می‌گیرد این است که در حالی که همه فاسدند و جامعه را به انحطاط می‌رود و هیچ کس تلاش نظری و عملی برای اصلاح جامعه نمی‌کند؛ یک معجزه‌های می‌شود و همه ظلم و جور به یکباره از بین می‌رود و همه عدل بر پایی شود این افراد تلاش جهت جلوگیری از شیوه فساد و ظلم را خلاف انتظار می‌دانند و تصور می‌کنند یک نفر بلاتشبیه مثل «سوپرمن» به صورت انجراری خواهد آمد و همه ما را در حالی که فقط نشسته‌ایم و کاری نمی‌کنیم؛ از این وضعیت نجات خواهد داد. این برداشت درستی نیست و این نوع انتظار، انتظار نشستگان و خوابیدگان و عافیت پرستان است که در آن نه عقلانیت، نه عدالت و نه معنویت وجود ندارد.

از این دسته روایات برداشت دیگری هم می‌توان کرد؛ که این برداشت قرآنی و اهل‌بیتی است و آن این است که بر اساس این قبیل روایات دوقطبی ارزش و ضدارزش در جامعه اسلامی را تشخیص دهیم. این روایات به ما آموزش می‌دهد با چه پدیده‌های اجتماعی که اسلامی نیستند، مبارزه کنیم و در جهت تحقق هر چه بیشتر چه ارزش‌هایی تلاش کنیم، که البته سطح عالی آن را امام زمان علیه‌السلام محقق خواهند کرد. برداشت درست و صحیح از روایات به این معنی است که قبل از ظهور منظر ایشان باشیم و در جهت ترویج عدالت و خوبی‌ها کار کنیم.

تمهیدگری برای ظهور، سبک زندگی منتظران است

مردم در عصر غیبت دو تعریف از اسلام و دو تعریف از امام زمان علیه‌السلام دو تعریف از انتظار دارند.

در برداشت صحیح از روایات انتظار، خط مرز بین جامعه سالم اسلامی و جامعه ناسالم و غیراسلامی مشخص می‌شود و مینه فاضله‌اسلامی ترسیم می‌شود.

از این قبیل روایات متوجه می‌شویم که یک تمدن اسلامی، یک جامعه شیعی و یک شهر شیعی، شهری است که در آن شهر، در بازارش، در سیاست‌اش، در خانواده و در روابط اجتماعی آن دروغ نباشد و امانت‌داری رایج باشد... و مامن‌ظر جامعه‌ای این چنین هستیم که معنویت و حقیقت توحید در آن وجود داشته باشد. آنچه در روایات تحت عنوان شرایط آخرالزمان عنوان شده ضدارزش است و امام علیه‌السلام برای اصلاح چنین مناسبات فاسدی تشریف می‌آورند.

امام قرار است بیاید و این عالم را تطهیر کند و زباله‌زدایی کند می‌آید تا زباله‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از مناسیت انسانی حذف شود. مامن‌ظر چنین فردی هستیم، منتظر طهارت جهان و اگر ما واقعاً منتظر باشیم، باید کاری کنیم، تمهیدگری برای آخرالزمان معنی اش همین است.

ما در روایات داریم؛ «المهمدون للمهدی»، مهمد، یعنی آمادگی سازی در خود و در جهان برای قیام امام مهدی علیه‌السلام، مهمد، یعنی تمهیدگر کسانی که با سبک زندگی خود مقدمه قیام امام زمان علیه‌السلام را فراهم می‌کنند.

مومنین و شیعیان در روایات، «عمهدون للمهدی» هستند؛ یعنی در عصر غیبت و قبل از قیام بزرگی که موجب تربیت بشریت می‌شود طوری زندگی می‌کنند که فضارا برای آن قیام بزرگ هر چه آماده‌تر کنند.

آنگاه مفعملین صوحان برخاست و گفت: ای امیر المؤمنین! اچه وقت دجال خروج می‌کند؟ علی علیه‌السلام تعابیری را درخصوص شرایط آخرالزمان عنوان نمود؛ طبق این روایت، در آخرالزمان شرایط طوری می‌شود که مردم پوسته‌ای از طواهر دین را رعایت می‌کنند و در باطن چیزی ندارند. نماز را با اکراه می‌خوانند و نه با عشق و علاقه. خیانت در امانت زیاد می‌شود و اسرار و حریم‌های خصوصی مورد تعرض قرار می‌گیرند. دروغ گفتن عادی شده و همه راحت به هم دروغ می‌گویند ربا خواری مباح و رشوه‌دهی و رشوه‌خواری زیاد می‌شود. مردم در آن دوره بی‌دین نیستند و به قیامت اعتقاد دارند، ولی دین به دنیافروشی رایج خواهد شد و دین به راحتی فدای منافع دنیوی خواهد شد.

سفیهان و کمردان بر اراده امور حاکم خواهند شد و مدیریت به دست احمقان خواهد افتاد. قطع رحم اتفاق می‌افتد و رابطه‌های خویشاوندی کمزنگ می‌شود. مردم، هواهای دل را پیروی می‌کنند و به جز لذت به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. ریختن خون آسان و ازان می‌شود و به تعبیر امیر المؤمنین علیه‌السلام جامعه‌ای با روحیات حیوانی و تشنگ به خشونت و خونریزی ایجاد می‌شود بریداری، ناتوانی شمرده می‌شود و به کسانی که بر خودشان مسلطاند بی‌عرضه گفته می‌شود. بیدادگری باعث افتخار می‌شود و ظلم ارزش می‌شود به طوری که بیدادگران مورد حسادت واقع می‌شوند زنا و فحشا جنسی علیه می‌شود. وزیران و افراد بدنه حاکمیت و مجریان عدالت خیانت می‌کنند. شهادت‌های دروغ رایج می‌شوند.

صفهای نماز بهم فشرده‌تر ولی قلبهاز هم دورتر خواهند شد و... این روایت بیان می‌کند که چه انحطاط داد و فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی در سطح جامعه جهانی رخ خواهد داد و چه سقوط و انحطاطی در جوامع مسلمان اتفاق می‌افتد. که حضرت حجت علیه‌السلام برای اصلاح آن‌ها و مبارزه با آن‌ها قیام می‌کنند. از این دسته روایات دو نوع برداشت شده است. یک برداشت مسئولانه و مجاهدانه و یک برداشت غیوم‌مسئلانه و سازشگریه.

قبل از انقلاب یک عده انقلابیون منتظر بودند و یک عده قاعده‌یمن منتظر. مجاهدان برای عدالت و توحید فدائکاری می‌کردند، کشته می‌شدند. یک عده هم از کل انتظار فقط چراغاتی و شیرینی نیمه شعبان را داشتند. تفکیک بین این دو نوع که دومی در واقع «شبے انتظار» است و نه انتظار واقعی ضروری به نظر می‌رسد.

ما وظیفه‌ای نداریم

برداشت دوگانه از روایات آخرالزمان درگذشته وجود داشت و هنوز هم وجود دارد، این خود ناشی از دو نوع تفکر است؛ یکی تفکر قاعده‌یمن و تحجرین که به ظاهر محب اهل‌بیت علیه‌السلام‌اند و منتظر به نظر می‌رسند و دیگری تفکر مجاهدانه و انقلابی است. حاصل این دو نوع تفکر، دو برداشت متفاوت است، برداشت نادرست این است که عدهای می‌گویند؛ خب، شرایط طبق پیش‌بینی‌ها پیش می‌رود و ما کاری نمی‌توانیم بکنیم، نتیجه‌ای که از این برداشت می‌گیریم این است که ما وظیفه‌ای نه برای انقلاب داریم و نه برای جهاد.



زندگی به رنگ انتظار

علیهم السلام

همدلی با اهل بیت

رابطه ما با اهل بیت پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ رابطه ولای است. آنان را دوست داریم، اسوه و سرمشق خوبیش و محبت‌های الهی می‌دانیم، برترین آفریده‌های خدا که جامع همه فضائل اند می‌شناسیم، ولایت و محبت آنان را یک تکلیف دینی دانسته، در غم آنان غمگین و در شادی آنان شادیم.

بر مصیبتهایی که بر آنان رسیده و بر مظلومیت‌شان اشک می‌ریزیم، روزهای تولد آنان را جشن می‌گیریم و خوشحالی می‌کنیم و معتقدیم اگر مارا به «موتت ذی القربی» دستور داده‌اند و اجر رسالت رامهرورزی به خاندان پیامبر قرار داده‌اند، ثمره آن در دنیا و آخرت به خود ما بر می‌گردد و از این محبت و همدلی بهرمند می‌شویم.

رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمودند:

«ای مردم! اهل بیت مرا چه در حال حیات من و چه پس از من بزرگ بدارید، اکرام و احترامشان کنید و آنان را بر دیگران برتری دهید».

عزادری برای اهل بیت و رفتتن به زیارت قبورشان و یاد کردن از آنان، هم نشانه شیعه است، هم مارانزد امامان عزیز و مورد توجه قرار می‌دهد و در حق مادعا می‌کنند.

اما پاقر علیهم السلام فرمودند:

«من احبابنا فهُو مِنَ أَهْلِ الْبَيْتِ هر کس دوستار ما باشد، از ما خاندان است».

اما پرضا علیهم السلام فرمودند:

«هر کس روز عاشورا، روز مصیبت و اندوه و غم و گریه او باشد، خداوند متعال، روز قیامت را روز شادی و خوشحالی او قرار می‌دهد».

فرهنگ یاد مظلومیت اهل بیت علیهم السلام همبستگی عاطفی ما را با این خاندان بیشتر می‌کند. امام زمان علیهم السلام نیز خود از کسانی هستند که به یاد مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و شهادت امام حسین علیهم السلام مرثیه می‌خوانند:

«اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و نتوانستم به یاریت بیایم و با دشمنات بجنگم، اینک صبح و شام بر تو گریه می‌کنم و به جای اشک «خون می‌گریم...»

معصومین علیهم السلام در ایام خاص، قبر امام حسین و حضرت

زهرا و پیامبر و امیر مؤمنان علیهم السلام را هم زیارت می‌کردند، هم با ذکر مصالح آنان، برایشان اشک می‌ریختند، هم شیعه را به عزادری بر این خاندان مظلوم و زیارت قبورشان و یاد فضایشان و شادی در شادیشان و شادی در ایام حزن‌شان دعوت می‌کردند و دوست داشتند که این همدلی و همسویی با اهل بیت علیهم السلام، در شیعیان وجود داشته باشد بکوشیم با عمل و بزرگداشت ایام مخصوص به ائمه علیهم السلام حس و حال و نشانه همدلی با اهل بیت علیهم السلام در میان خانواده و فرزندان‌مان دیده شود.

۱ - بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۱۲ ۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱ ۳ - بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴ ۴ - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۸

زندگی مهدوی، جواد محمدی، ص ۶۹-۷۲

تجارت بی‌سود

در تعجب بودم این همه سود، این همه خوشی، دیدن مناظر زیبا، هم سفران باصفا، با این همه چرا وقتی از اسلام صادق علیهم السلام برای این سفر استخاره گرفتم، جواب ایشان منفی بود. به هر حال به ما که خوش گذشت سود بسیاری هم نصیمان شد تا حالا در هیچ سفری این همه سود بدست نیاورده بودم به مدیته که رسیدم، به منزل امام رفتم و گفتم: ای فرزند پیامبر با اینکه شما فرمودید جواب استخاره بد است، اما در این سفر خیلی به ما خوش گذشت و سود فراوانی نیز بدست آوردیم.

امام صادق علیهم السلام لبخندی زند و فرمودند: به یاد داری در یکی از استراحتگاهها، از شدت خستگی خوابت برد، وقتی بیدار شدی دیدی اقتاب طلوع کرده و نماز صحبت قضاشده است. با این صحبت جا خوردم و گفتم، بله کامل‌درست است، گویی شما همراه مابوده‌اید.

سپس امام فرمودند: اگر آنچه خداوند به تو داده است را در راه او صدقه دهی، جبران آن دور کعت نماز قضای تونمی شود!

دید انسان‌ها متفاوت است، بعضی افق دیدشان به وسعت ابدیت است. اما برخی فقط جلوی پای خودشان را می‌بینند. یک بیچه اگر طلایی را از دست بدهد و به جای آن پفکی بدست آورد خوشحال است اما یک انسان عاقل و رشید، هرگز این گونه نیست.

پیامبر مهریان و دل سوز صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمودند: «ولین چیزی که خدا واجب کرد نماز و آخرین عملی که تا هنگام مرگ باقی می‌ماند، نماز است.»^۱

۱- پرپرواز، آقایان آیتی و محمودی، ص ۱۴ برگرفته از جهاد بانفس، ج ۲، ص ۷۶

۲- جامع الأخبار، ص ۷۳

پرپرواز، آقایان آیتی و محمودی، ص ۱۵

درآمد و کسب حلال

رزق حلال و درآمد مشروع، نعمتی الهی است و ثروت‌هایی به دست آمده از راه گناه و خلاف، حرام است و خوردن آن «حرام خواری» است و تأثیر سوء بر اخلاق و افکار خود انسان و نسل و فرزندان و خاتواده او دارد و در آخرت هم مورد موافذه قرار خواهد گرفت. به همین جهت در دعای امام زمان علیه السلام آمده است: «وَ طَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشَّبَهِ»؛ شکم‌های ما را ز حرام و لقمه‌های شباه ناک، پاک بدار».۱

کسی که زندگی خود را از راه دزدی، قمار، کم‌فروشی، گران‌فروشی، اختکار، ربا، قاچاق، تصرف در اموال یتیمان، تعدی به حق شریک، اختلاس، رشوه و... می‌گذراند، از دایره «زندگی اسلامی» بیرون است و مورد غصب پروردگار قرار می‌گیرد و خیری از زندگی و درآمدهای ناممشروع نمی‌بیند.

رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمودند: «هر کس یک لقمه از حرام بخورد، تاچهل روز نماز او قبول نمی‌شود»^۲ همچنین فرمودند: «خداوند، جسد و بدنی را که از حرام تغذیه کرده باشد، بر بهشت حرام نموده است».^۳

هم درآمد باید حلال باشد و هم خرج کردن آن باید در راه خداپسندانه باشد. باید سعی کنیم بدھکار دیگران نباشیم و اگر به دارای مخصوص وزکات تعلق گرفت، به موقع آن را پردازیم.

در زمان غیبت صغیری، گویا عدمهای نسبت به پرداختن خمس سهل‌انگاری داشتند. امام زمان علیه السلام طی نامه‌ای به نایب خاص خود محمد بن عثمان نوشت:

«کسی حق ندارد در مال دیگری بدون اجازه تصرف کند، تا چه رسیده مال ما هر کس چنین کند، چیزی را حلال شمرده که خدا حرام کرده و هر کس چیزی از مال ما را بخورد، گویا آتش خورده و دچار دوزخ خواهد شد».^۴

این روایت نشان می‌دهد که یک مسلمان باید در زندگی خود، «اضبط اقتصادی» داشته باشد و از خط قرمز دین عبور نکند و هر مالی را ز هر راهی که پاشد به دست نیاورد.

امروز، جاذبه‌های درآمدهای ناممشروع و شغل‌های حرام بسیار است و خیلی‌ها گرفتار آن شدند و به دست آوردن روزی حلال و ثروت مشروع هم سخت است و نوعی جهاد به شمار می‌رود. در روایات مربوط به آخرالزمان هم آمده است که کسب مال حلال، بسیار دشوار خواهد بود. آنان که شیرینی مال دنیا فریشان می‌دهند و در قید و بند حلال و حرام نیستند، برای روز قیامت چه پاسخی دارند؟

مسلمان منتظر، نباید زندگی و کسب و کار و درآمد خود را به ربا و رشوه سوءاستفاده از بیت المال، جعل سند و فاكتور، اختلاس، شرکت‌های هرمی، تصرف عدوانی در مال و ملک دیگران، تدبیس و تقلب و... بیالاید، یا از ساعت کاری کم بگذارد، یا تخلف از قراردادهای مالی داشته باشد.

خوشابه حال آنان که درآمد و کسبشان چنان است که اگر امام زمان علیه السلام ظهور کند بتوانند او را به خانه و سرسفره خود دعوت کنند و از راه حلال، پذیرایی کنند.

گفتگی است که بانوان در خلواده‌ها، اگر اهل تجملات و تنوع طلبی باشند و به فرهنگ مصرفی روی آورند، این شیوه ناپسند در کشیده شدن مردان به درآمدهای غیرحلال و تأمین آن خواسته‌ها از هر راه که باشد، مؤثر است. پس زنان هم باید بر این شیوه نادرست خط بطلان بکشند، تازندگی‌شان به حرام آلوه نشود.

۱- مفاتیح الجنان

۲- کنز العمال، حدیث ۹۲۶

۳- همان، حدیث ۹۲۶۱

۴- کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴۹

زندگی مهدوی، جواد محمدثی، ص ۱۱۶-۱۱۹

ولایت ائمه معیار است

تا آخر، هیچ یک از شاگردان نتوانست به سوالی که معلم عالی قدر طرح کرده بود، جواب درستی بدهد. هر کس جوابی داد و هیچ کدام مورد پسند واقع نشد. سوالی که رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم در میان اصحاب خود طرح کرد؛ این بود: از میان دستگیرهای ایمان کدام یک محکم‌تر است؟ اصحاب گفتند: «خدا و رسولش بهتر می‌دانند»، عده‌ای گفتند نماز، عده‌ای دیگری گفتند زکات، برخی گفتند روزه، بعضی هم گفتند حج و عمره و برخی نیز گفتند: «جهاد». پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمودند: «تمام اینها ای که نام برده کارهای بزرگ و بافضلی است، ولی هیچ کدام از اینها آنکه من پرسیدم نیست؛ محکم‌ترین دستگیرهای ایمان، دوست داشتن به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خداست.»*

کافی، جلد ۲، باب الحب فی الله والبغض فی الله، صفحه ۲۵۰

(ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلال و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونگوند) اگر آدمیان بدانند کمال مطلق خداست و راه رسیدن به کمال مطلق عبادت و سرسپردگی و تسلیم شدن در برابر اوست و نقص، طاغوت است و راه مصنویت از آن، اجتناب از طاغوت و مبارزه با آن و با این آگاهی، رهنمود انبیار انتخاب کنند؛ به طور طبیعی صفات عالی انسانی در آن‌ها شکوفا خواهد شد، ولی اگر از این نعمت استفاده نکنند چنان گمراهی می‌گردد.

تولی، مطیع و لی خدا بودن است و تبری، جبهه‌گیری برابر باطل و ضلال

انسان به اقتضا گرایش به کمال مطلق؛ یعنی خداوند سبحان، به تبع آن به هر چه وجهه الهی داشته باشد از جمله اولیای الهی و انسان‌های کامل نیز عشق می‌ورزد.

در زندگی همه پیامبران و امامان و اولیاء الهی، تولی و تبری بوده است؛ یعنی با دوستان خدا دوستی کردن و با دشمنان خدا دشمنی کردن و از آنان برائت و بیزاری جستن. ما در برابر حق و باطل، عدالت و جور، مؤمنان و کافران، دوستان و دشمنان نمی‌توانیم برخورد یکسان داشته باشیم. باید با جناح حق و افراد خوب و با خدا و دین اولیاء الهی، همبستگی و پیوند داشته باشیم و یاری و حمایت کنیم (ولایت) و از کفر و نفاق و ظلم و افراد بد و دشمنان دین، اظهار تنفر و بیزاری کنیم و موضع ما در برابر آنان روشی باشید (برائت). تولی، مطیع و حامی «ولی خدا» بودن است و تبری، جبهه‌گیری در برابر باطل و ضلال و جتاران است.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۴
۲. سوره مبارکه النحل آیه ۳۶

در فرهنگ اسلامی، جهان عرصه تقابل دو ولایت است، ولایت خدا و دوستان او و ولایت شیطان و پیروانش. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند: شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود^۱

از این رو برای تمام کسانی که خواهان رستگاری و سعادت‌اند، به ویژه کسانی که در گروه ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، امام مهدی علیه السلام، دارند؛ ضروری است که دوستان و دشمنان اهل ایمان را بشناسند. امروزه تمام انسان‌ها در زندگی خود به دنبال گوپرداری و داشتن سبک زندگی هستند. حال آنکه در یک خانواده مهدوی افراد در تلاش‌اند تا سبک زندگی مهدوی را بشناسند و با استعداد از آن، راه تربیت نسل منتظر را در پیش گیرند. برای تحقق این مهم می‌بایست شاخصه‌های سبک زندگی مهدوی و تربیت نسل منتظر برای افراد مشخص شود.

با توجه به مقدمه‌ای که عنوان شده شاید بتوان عصاره و چکیده مباحثت تربیت مهدوی را در تولی نسبت به امام عصر (عج) و شیعیان آن حضرت و تبری نسبت به دشمنان ایشان خلاصه کرد. همانا زندگی مهدوی جز این نخواهد بود که انسان منتظر و تربیت شده مهدوی باید بر پایه محبت به امام و شناخت ایشان، سجایی اخلاقی را در خود متجلی کند.

به جرأت می‌توان گفت که اگر تولی و تبری واقعی داشته باشیم، این همان معرفت واقعی است و در این حالت است که تمام گرایشات و رفتارهای میان برپایه این معرفت و شناخت انجام خواهد شد.

شناخت مصادیق کمال مطلق و نقص و شقاوت

فطرت انسان اساساً عاشق کمال مطلق و خیر و سعادت و متنفس از شر و شقاوت است. در زندگی برای آنکه انسان‌ها در مسیر فطرت خود گام بردارند و از خطای تشخیص مصدق کمال مطلق و نقص و شقاوت مصنویت پیدا کنند، خداوند در میان هر امتی پیامبر برانگیخته تا حاجت را بر آنان تمام کند.

ولقد بعنایی کل اُمّة رَسُولًا أَنْ أَعْبَدُوا اللَّهَ وَاجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ^۲

شیعه واقعی

امام ضاعلیه السلام فرمودند:

کمال الدین ولایت‌ناوی البرائة مِنْ آعْدَائِنَا^۳

کمال دین، ولایت ما و براثت و بیزاری از دشمنان ماست.

به امام صادق علیه السلام گفتند: فلاحتی دوستدار شماست، اما در

بیزاری و براثت از دشمنان ضعیف است و ناتوان حضرت فرمود:

هیهات ادروغ می‌گوید کسی که مدعی ولایت ماسته ولی از

دشمنان ما «براثت» نمی‌جوید.^۴

این تولی و تبری تنها در مرحله قلبی و اظهارات زبانی نیست.

موقع عملی شیعه باید جانبداری و حمایت و نصرت از امام حق و

جبهه حق و مبارزه و تقابل با استمگران و اهل باطل باشد. در حادثه

عشورا، آنان که اهل تولی نسبت به حضرت و تبری از دشمنان

بودند، کناری ننشستند که تنها دعا کنند، به یاری او شافتند و در

این راه، جان فدا کردند و شهید شدند. شب عاشورا، سخن یاران

حضرت این بود:

نَوَّالِي مَنْ الْأَكْ وَنَعَادِي مَنْ عَادَكَ^۵

با هر که دوستدار تو باشد دوستی می‌کنیم و با دشمن تو دشمنی

می‌کنیم

اظهار همبستگی با اولیای خدا و جدا کردن خط خود از دشمنان

دین و ائمه، تجلی تولی و تبری است. مگر می‌شود کسی دم از خدا

و دین و پیامبر و امام زمان علیه السلام بزند، ولی با دشمنان اینان

روابط حسن و دوستی و همدلی داشته باشد!^۶ مگر می‌شود کسی

منتظر امام زمان علیه السلام باشد، ولی با آنان که دشمن آن

حضرت‌اند، دشمن نباشد؟ پس تکلیف واجب «تولی و تبری» که از

فرع دین است چه می‌شود؟ از کجا یک شیعه واقعی و شیعه

ظاهری را می‌توان شناخت؟

ولایت ائمه معیار است

ولایت با امام زمان علیه السلام و براثت از دشمنانش در زندگی یک شیعه باید ظهور و بروز داشته باشد. وقتی خطاب به حضرت

مهدي علیه السلام گوییم:

«أَنَا أُولَئِي لَكَ بَرَى مِنْ عَذَابٍ؛ مِنْ بَاتِ وَلَيْتَ وَهَمْبَسْتَگِي وَدَوْسَتِي^۷

دارم و از دشمن تو بیزارم»^۸

باید بدانیم امروز، دشمن آن حضرت چه کسانی‌اند و براثت ما از آنان چگونه تحقق و نمود پیدامی کند؟ آنکه با دشمنان دین و اهل بیت دوستی کنند قطعاً از ولایت خاندان پیامبر و ولایت خدا دور می‌شود.

ولایت و دوستی با اهل حق و اهل دین، راه رسیدن به دوستی خدا و رضای پروردگار است. کسی که از مدار تولای این خاندان خارج شود، از ولایت خدا هم بیرون رفته است.

امام زمان علیه السلام در یکی از نلمه‌های توقيعاتش نوشته است:

أَشَهَدُ كُمَّ أَنَّ كُلَّ مَنْ تَبَرَّأَ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَمَلَائِكَةُ وَرَسَلُهُ وَلِلَّهِ

شما را گواه می‌گیرم که هر کس ما از او براثت و بیزاری بجوبیم، خدا و فرشتگانش و پیامبران و اولیائش از او بیزاری می‌جویند.

ولایت ائمه، معیار است. پس با این خاندان تولی داشته باشیم.

۳. بخار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸

۴. بخار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۹

۵. عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۱۶۴

۶. عزیارت آل یاسین

۷. معادن الحکمة، ج ۲، ص ۲۸۳

با هر که دوستدار تو باشد دوستی می‌کنیم و با دشمن تو دشمنی می‌کنیم.

منتظران می‌توانند با درس گرفتن از الگوهای مناسب انقلاب و دفاع مقدس، به وظایف خود در برابر امام زمان علیه‌السلام بهتر عمل کنند؛ همچنین با عبرت گرفتن از موضع گیری غیرمعقولانه برخی افراد که در دوران انقلاب و دفاع مقدس، نقشی منفی بازی کردند، در عرصه یاری امام عصر (عج) گام‌های استوارتری بردارند.

بانگاه به سبک زندگی شهدا و نحوه تعاملشان با حوادث سیاسی-اجتماعی دوران زندگی شان، می‌توانیم به این نکته پی ببریم که آن‌ها بهترین الگو برای منتظران هستند، چراکه به خوبی فهمیده بودند که در آن زمان چه وظایف‌هایی دارند و به ندای نایب امام زمان علیه‌السلام لبیک گفتند. آنان با خود عهد بسته بودند که تا آخرین نفس، در خط امام زمان علیه‌السلام و نایب بر حقش امام خمینی (ره) بنشند.

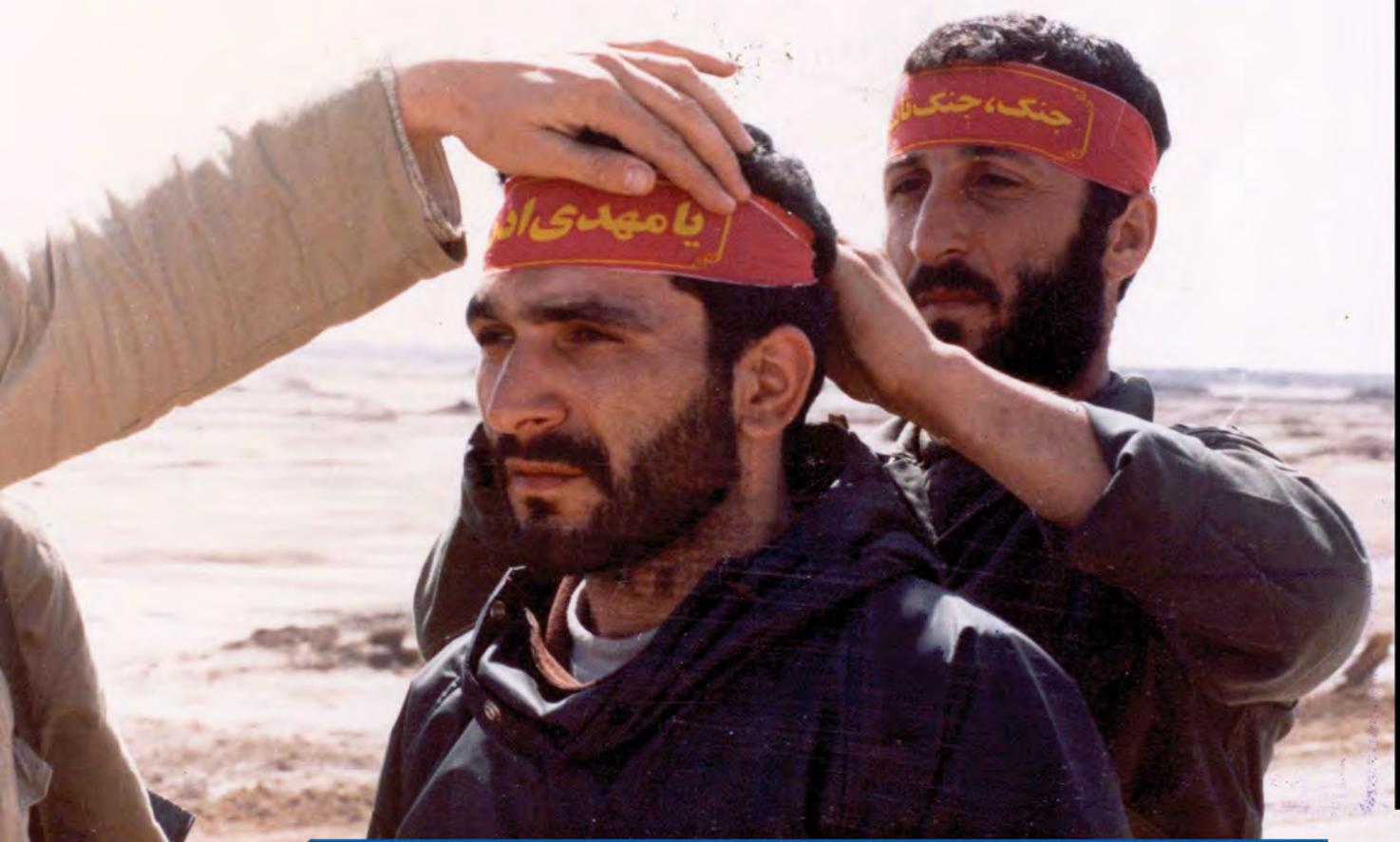
شهدا به این دلیل که در شرایط زمانی مشابه زمان ما زندگی می‌کردند، بهترین الگوهای منتظران هستند؛ کسانی که هنوز عطر وجودشان در جامعه ماطنین انداز است.

سربازان خورشید

برگرفته از کتاب سربازان خورشید
آمیدرویشی

الگوی برتر منتظران

با توجه به اهمیت الگوگیری و نقش آن در موفقیت انسان، و هم چنین با توجه به تأکید دین اسلام بر انتخاب الگوهای برتر، کسانی که می‌خواهند در مسیر سبز انتظار گام بردارند، نیازمند الگوهایی مناسب هستند تا با الگوگیری از سبک زندگی مهدوی آن‌ها، به خوبی بتوانند این مسیر را بپیمایند و از تمامی خطرات این مسیر در آمل بنشند.



شناخت و معرفت به امام زمان علیه السلام

ذکرت دوای درد ما شهید حاج حسین بصیر

این که «شهید حاج حسین بصیر» به هنگام ذکر نام امام عصر(عج)، متحول می شد، گویای شناخت و معرفت والای ایشان به امام زمان است. یکی از هم‌زمان ایشان نقل می کند:

«قبل از عملیات کربلای یک، با ایشان در راه رفتن از اهواز به مهران بودیم. بارها ذکر ائمه را داشت و هر بار که نام ائمه به خصوص آقا ابا عبدالله و آقا امام زمان علیهم السلام برده می شد، چهره‌اش تغییر می کرد، و این کمالاً مشهود بود.»^۳

برادرها! ما سرباز امام زمانیم ... شهید صمد یونسی

یکی از هم‌زمان «شهید صمد یونسی» نقل می کند: دور هم در پادگان نشسته بودیم که شهید صمد یونسی گفت: «برادرها! ما سرباز امام زمانیم، ولی درباره ایشان کمتر می دانیم». بعد ادامه داد: «کی دعای «الهی عظم البلاء» رو حفظه؟» یکی دو روز بعد همه، دعا بعد از نماز می خواندیم؛ البته از حفظ.

آماده باشید ... شهید حمید شفرئی

«شهید حمید شفرئی» در وصیت‌نامه‌اش سفارش می کند: «حاجت خدا روی زمین، مهدی فاطمه را بشناسید و خود را آماده ظهور او نمایید».^۴

برای ظهورش دعا کنیم شهید احمد دشتایی

«شهید احمد دشتایی» در بخشی از وصیت‌نامه‌اش می نویسد: برادران! امام زمان‌تان را بشناسید و معرفت خود را نسبت به ایشان زیاد کنید و سعی و کوشش کنید در طلب معرفت. دعا کنید برای فرج، تا تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام بشود. در قلوب خود شیطان را دور کرده و خداوند و امام زمان علیه السلام را جایگزین کنید و با او باشید که او با شمات و مشکلات خود را با او حل کنید.

۱. شیخ صدق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱
۲. یعقوب توکلی، فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ، دفتر ۲۵، ص ۷۹ و ۸۰
۳. عیسی جمالی، سردار خوبان، ص ۵۱
۴. محسن صیفی کار، تبسم نسیم، ص ۵۴
۵. سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص ۸۲
۶. سالم جعفری، امام زمان و شهدا، ص ۲۰۱

شناخت و معرفت امام، اهمیت بسیاری دارد و سنگ زیربنای مباحث مهدویت است. اگر بخواهیم وظایف منتظران را بشمریم، معرفت و شناخت امام باید در ابتداقرار بگیرد؛ تا انسان امام خود را نشناسد و از ویژگی‌های آن حضرت مطلع نباشد، نمی‌تواند ادعای کند که منتظر امام است.

شناخت امام زمان علیه السلام، گوهر گران‌بهایی است که اگر کسی آن را نداشته باشد سرانجامش به هلاکت و گمراحت ختم می‌شود. البته معرفت و شناختی می‌تواند ما را از هلاکت و مرگ جاهلی نجات بدهد که سطحی نباشد؛ شناخت سطحی، یعنی داشتن اطلاعاتی از قبیل: روز و یا سال تولد نام پدر و مادر، محل تولد، زمان غیبت صغری و غیبت کبری و... به یقین چنین اطلاعاتی نمی‌تواند شناخت و معرفت امام را برای ما به ارمغان بیاورد.

«ابونصر» خادم خانه امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند: «فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از من پرسید: «آیا من را می‌شناسی؟» عرض کرد: بله. فرمودند: «من چه کسی هستم؟» عرض کرد: شما، آقای من و فرزند آقای من هستید. حضرت فرمودند: را فرمودند: «از این امر نپرسیدم!» به حضرت عرض کرد: خداوند من «آن‌خاتم الاصیله وی یَنْفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَ شَيْعَتِي»^۵!

من آخرین شخص از امامان هستم و به واسطه من خداوند بلا راز اهل و شیعیانم دور می کند. بنابراین، شناختی معتبر و ارزشمند است که ما را از خطرات دوران غیبت و هلاکت نجات بدهد و عمیق باشد؛ یعنی مابا مقام معنوی امام آشنا شویم، نقش حضرت را در عالم بشناسیم و بدانیم که ایشان واسطه فیض الهی‌اند، به گونه‌ای که اگر یک روز زمین بدون امام باشد، زمین اهلش را به درون خود فرو می برد.

وعده خداحنوزدیک است شهید حسن ترک

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی «شهید حسن ترک»، عشق و علاقه فراوان به امام زمان علیه السلام بود. این فرمانده دلاور در سخنرانی‌اش به حدیث معروف: «اگر کسی امام زمان خود را شناسد، در مکتب جاهلیت مرده است؛ حتی اگر مسلمان باشد»، اشاره می کرده و می گفت: «توحید بدون امامت، معنا ندارد. اگر جامعه، امام شناس نباشد، آن جامعه حتماً به ضلالت و گمراحتی می رود.» در بخشی از وصیت‌نامه این شهید بزرگوار نیز آمده است: برادران و خواهران! سلاح افتاده را برگیرید و فریاد حق را رساتر سازید. دل آسوده دارید که وعده خداحنوزدیک است. بر شماباد نوید آمدن حجت خدا بدانید که انقلاب به ظهور حضرتش منتهی می شود؛ پس تحت رهبری ولایت فقیه باشید که چشمان تمامی مسلمانان جهان به شماست.

سریاز عاشق فرمانده شهید موسی محسنی

«شهید موسی محسنی» در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد: انسانی که عاشق نباشد، نمی‌تواند عاشق معبد و عاشق اهل بیت علیهم السلام، بهخصوص حضرت ابا عبدالله علیه السلام و آقا امام زمان علیه السلام باشد، چون ما سریاز آقا امام زمان علیه السلام هستیم و اگر سریاز، عشق فرمانده در دلش نباشد، نمی‌تواند خوب بجنگد. جهاد اکبر، یعنی عاشق شدن و عشق، عقل را سرکوب می‌کند. عقل می‌گوید: نشمن زیاد است و نباید جنگید، ولی عشق عقل را سرکوب می‌کند؛ می‌گوید: باید جنگید و باید خدارسید.^۱

اگر کسی فقط ادعای محبت امام زمان علیه السلام را داشته باشد و در عمل کاری انجام ندهد، نه تنها این ادعا به کار نمی‌آید، بلکه ضررهایی نیز برایش به دنبال دارد. مطمئناً امام زمان علیه السلام به ما توجه دارند، و اگر کسی بخواهد فقط بازیان، محبت امام را پاسخ دهد ثمره آن، نراحتی امام و دوری از ایشان است.

شایان ذکر است، محبت امام زمان علیه السلام، جلوه‌ای از محبت خداست؛ در روایتی آمده: «َمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ»^۲؛ هر کس شما را دوست داشته باشد پس خداوند را هم دوست دارد.

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۶.
۲. حجت میر اشرفی، ستاره‌های سرخ، مجله امان، ش ۲۴، ص ۲۸.
۳. یعقوب توکلی، فرهنگنامه جاواده‌های تاریخ، دفتر هشتم، ص ۳۷۱.
۴. محمد ابن جعفر، المزار الكبير، ص ۵۲۸.

دل‌های سرشار از محبت مهدی علیه السلام

امام زمان علیه السلام در توقیع شریفی خطاب به شیعیان می‌فرمایند: **وَاجْعَلُوا قَضْدَكُمُ الْأَنْبَىٰ بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السَّنَّةِ الْوَاضِحةِ فَقَدْ نَصَّحْتُ لَكُمْ وَالله شاهد علیّ وَعَلَيْكُمْ**^۱؛ توجه خود را همراه با محبت و دوستی، به سوی ماقرار دهید و در مسیر دستورات روشن و قطعی دین حرکت کنید، که همان‌مان برای شما خیرخواهی می‌کنم و خداوند بر من و بر شما شاهد است.

آنچه باعث می‌شود، ریشه‌های محبت در سرزمین دل‌ها محکم‌تر و میوه دلدادگی به امام زمان علیه السلام، روز به روز در وجود انسان پر شمرter گردد، معرفت و شناخت امام است؛ هرچه معرفت و شناخت بیشتر باشد، محبت به امام نیز بیشتر می‌شود.

سریندیامهدی(ع)

شهید عبدالحسین مغفوری

یکی از هم‌زمان «شهید عبدالحسین مغفوری» درباره ایشان نقل می‌کند: در یکی از روزهای اعزام نیرو از پادگان امام حسین علیه السلام که هواهم به شدت بارانی بود، دیدم حاج آقا مغفوری خم شد و پیشانی بندی را از میان گل و لای برداشت. روی پیشانی بند عبارت «یامهدی» نوشته شده بود. گفت: حاج آقا! از این پیشانی بندها زیاد داریم! خب غافل بودم و نمی‌دانستم. چنان نگاهی به من کرد که جا خوردم گفت: «مغفوری زنده باشد و نام امام زمان زیر پا میان گل و لای افتاده باشد؟!» فوری رفت و پیشانی بند را شست و نزد خود نگه داشت. شناخت امام زمان علیه السلام باعث می‌شود انسان بیشتر به وظایفش پای بند باشد.

در این صورت انسان می‌تواند ادعای محبت و عشق به امام زمان علیه السلام داشته باشد؛ یعنی از مرحله لقلقه زبان عبور کند وارد مرحله عمل شود و با عملش، کم کم با معشوق ساخته پیدا کند.^۲



برای از تو نوشتن

بین همه سی و دو حرف الفبا
بین تمام کلماتی که از کودکی ام
شنیده ام و خوانده ام
گشتم و هیچ نیافتنم
دلم به حال بیچارگی واژه ها سوخت
که کم می اورند برای از تو نوشتن.
دنیا برای از تو نوشتن مرا کم است.

تنها یاد تو ...
داستان

ثانیه های مانده تا ظهر
قطعه ادبی

ای غایب از نظر ...
بزرگداشت حافظ

از فرات تا فرات
کتابگردی

سری به نیزه بلند است
شعر



تنها یاد تو ...

فاطمه بگزاده

برادرم خالد

تو اون شلوغ پلوغی و برو بیا نگاهم می چرخد روی صورت خالد
که با سر بلند پیچی شده سالن را بالا و پایین می کند. صدایش
می کنم؛ برمی گردد و برای چند ثانیه همین طور زل می زند توی
صورتم. باورش نمی شود خودم باشم، حق هم دارد، خیلی وقت
است به خانه سری نزدم. از خوشحالی سراز آنمنی شناسد، به
طرفم پا تند می کند، خم می شوم و دستم را حلقه می کنم دور
گردنش و سیر صورتش رامی بوسم.

گرهای میان ابروهایم می اندازم با اخم به سر و کله اش اشاره
می کنم لبخندی می زند دست می کشد روی سرش و می گوید:
- ناراحت نباش، چیزی نیست، زخم چند روز بیش، خوب
داداش جنگه دیگه، نیشه که به سنگ و آهن و چوب
گفت روی سر من فرود نیا.

لبخندش را غلیظتر می کند لبخندش خستگی را زیندم دور می کند
تو اون وضعیت دیدن یک لبخند حتی اگر هم خیلی کوچک باشد
و مصنوعی، الکی باشد یا حتی مثل لبخند خالد به اجبار باشد
خودش بمب رو حیه است.

- اینجا چکار می کنی خالد؟

- او مدم ببینم کسی به کمک احتیاج داره، کمکش کنم.
شانه اش رامی فشارم و می گویم:

- می خوام برام یه کاری کنم.

پاهایش را جفت می کند سرش را بالامی گیرد و با ژست پلیسها
می گوید

- در خدمتم قربان.

تو جنگ همدلی ها بیشتر مشخص می شود، هر کس دوست دارد
برای دیگری کاری کند.

هنوز حرف را به زبان نیاورده بودم که منصرف می شوم، ترس به
جانم می افتد، اگر برایش اتفاقی بیافتد؟ هر چند در این اوضاع و
احوال و کشت و کشتن باید انتظار هر اتفاقی را داشت. خالد هنوز
منتظر است نفس بلندی می کشم:

- هیچی داداش خالد برو ...

این رامی گویم و بر می گردم طرف عباس، فرماندهمان نگاهش
که می کنم، دلم می لرزد. خالد همچنان کنارم ایستاده، لب تر
نکرده ام که می گوید:

- داداش بگو، حرفت رو نخور ...

سرتا پایش رانگاه می کنم، در این مدت که جنگ بوده، بزرگتر
شده، قد و قامتش رانمی گویم، افکار و حرکاتش دیگه مثل یک
پسر بچه ۱۲ ساله نیست.

تو این جنگ بچه های ما، بچگی نکرده بزرگ شدند. روی زانو
خم می شوم بادست جفت شانه های استخوانی خالدرامی فشارم؛
- توانی جامی مانی، می خواهم برايم خبر بیاوری.
صدای قدم های عباس را که دارد نزدیک می شود می شنوم،
محکم و بلند قدم برمی دارد.
- از چی خبر بیارم داداش؟
دهانم را نزدیک گوش خالد می گیرم، صدای قدم های عباس
نزدیک و نزدیک تر شدو کنارم ایستاد.
- پس خالد یادت باشه چی گفتم.
- خیالت راحت داداش یادت رفته بچه هابه من می گن
خالد قرقی.
اما خیالم راحت نیست می دانم جوابی که خالد برايم می آورد
چیست؛ اما می خواهم مطمئن شوم و اجازه ندهم فعلا عباس
چیزی بفهمد، اجازه ندهم به این زودی به بیمارستان برگرد.
شانه به شانه عباس قدم برمی دارم، چشم هایش را دوخته به
سرامیک های شطرنجی و خون آلو بیمارستان.
هر از گاهی زیر چشمی نگاهش می کنم، پشت پلک هایش چند
قطره درشت اشک نشسته، نوک دماغش هم قرمز شده و بلند آه
می کشده درست مثل وقتی که جنازه ابراهیم پسرش و هم کلاسی
هایش زیر آوار مدرسه مانده بود. چقدر طول کشید تا بیرون شان
کشیدند. یاد آن صحنه که می افتم به هم می ریزم.



فرمانده جدید

عباس می‌گوید:

معطل نکنید، باید هر چه زودتر برگردیم مقر.

اسلجه روی دوش، بی معطلي به طرف تيروها حركت می‌کنيم... رسيديم به محل درگيري نيروهايي كه تاچند ساعت پيش در رديف جلو در حال دفاع بودند، حال ديگر نيسنتند، امروز بيشتر از روزهای ديگر شهيدداديم.

تعداد جنگدههای هوایی دشمن که مثل جندهای سیاه دل آسمان را می‌شکافند، خيلي بيشتر شده طوری که وقتی سرت را روبه آسمان می‌گيری، به جای رنگ آبی و لبرهای شکل دار پنهانی فقط سپاهی می‌بینی.

فرمانده به زبان می‌آيد:

- مهماتمان دارد ته می‌کشد فعلاً با همين ها جلو پيشروي دشمن را می‌گيريم تا مهمات برسد. تيرها را هدronدهيد.

سرم را به آسمان بلند می‌کنم، مگر می‌شود؟ نکند چشم‌های عباس آسمان را نديده يا گوش‌ها يش صدای سوت اين بمبهای گوش خراش رانمي شنود.

عباس از چشم‌هایم می‌تواند بخواند به چه فکر می‌کنم. به چشم‌های تک به تكمان زل می‌زنده می‌گويد:

- دشمن نيروهاش روزياد می‌کنه و ما مقاومت‌مون رو، دشمن مهماتش را تقویت می‌کنه و ما عزم‌مون رو، دشمن خونخوار تر می‌شه و ما یامنون رو پرورش می‌ديم. حررهای فرمانده به دلمان می‌نشينند، گوشمان را تيزتر می‌کnim تا حرفي از قلم نتفتد.

با حركت دست عباس جلوتر می‌رويم سنگرمی‌گيريم و اسلجهایمان را روبه جنگدهای دشمن نشانه می‌رويم.

Abbas شليک می‌کند دو تا از جنگدها پشت سر هم تو دل آسمان گرمی‌گيرد و دود تدوره می‌کشد، عباس روی دو کاسه زانو می‌نشينند، به نقطه‌ای نامعلوم خيره می‌شود و بلند فريادي زند:

- مادرم گفت برو و بجنگ واژ دين وطننت دفاع کن و من برای دين و ايمانم سينه سپر کردم... آرزويم اين بود که در كربلا بودم و در رکاب امام حسین عليه السلام پيکارمی‌کردم.

به اينجا كه می‌رسد بغضش می‌ترکد، صدای هق گريهانش توجه همه را جلب كرد.

- امروز به عشق امام زمان می‌جنگيم و با ياري او دشمن روزين می‌زنيم.

چهره همه‌مان بشاش می‌شود، درست مثل وقتی که يك عالم مهمات داريم، غذا و آب آشاميدني داريم، نيرويي در تک تک سلول‌ها يمان می‌دود و اميد در رگ و خونمان جان می‌گردد، قوي می‌شويم و ناخداگاه همه لبخند می‌زنيم.

عباس نه داد می‌زنده و نه عصباتی است به خودم جرأت می‌دهم و توی صورتش دقیق می‌شوم؛ اولین بار است بعد از مدت‌ها همزمان بودن، این طور می‌بینم، آرام و متین، نه فریاد می‌زنده و نه به زمین و زمان بدو بيراه می‌گويد، فقط گوشه لبشن را تند تند می‌گزد.

ته دلم خالی می‌شود، اى دل غافل‌ناکند اين آرامش قبل از طوفان است، با گوش‌های خودم شنیدم که پرستار گفت حال هر دوشان وخیم است، خودم اشکهای اعماق را دیدم که تسییع به دست پشت در آفاق عمل ایستاده بود.

آرامش چهره فرمانده نگاهم را روی صورتش قفل می‌کند همیشه بريش و سبیل دینمش رسیده پشت موها يش هم بلند شده آلوش تازديك گلويش رسیده پشت موها يش هم بلند شده.

کنار هم می‌جنگيم و دفاع می‌کنيم، اما اصلاً متوجه تغييرات ظاهری هم نشده‌ایم، هنوز نگاهم به عباس است:

- ريش و سبیل چقدر به چهره‌ات می‌آداخوي.

عباس بيون اينكه سرو گردنی کج کنده لبه‌ها يش تکل می‌خورند

- چيزی گفتی مصطفی

- و من آرام می‌گويم:

- هيچي

به همراه عباس به نيروهايي ملحق می‌شويم که جلو در ورودي بيمارستان ایستاده‌اند، کسی متوجه حضورمان نمی‌شود، همه ساكت‌اند تنها صدای نفس‌های نامنظم‌شان است که از تنگنای سينه پر از دردشان بپرون می‌جهد و به گوش می‌رسد، دنباله نگاهشان را می‌گيرم، چشم دوخته‌اند به آواره‌ها، به شيون زنان و مادرانی که عزيزانشان جلو چشم‌شان پرپر شده، مويه می‌کنند و صورت چنگ می‌زنند.

جنگدههای هوایی دشمن، دل آسمان را می‌کويند و با غرض بلندی می‌خورند زمين، شهر زير لايهای از دود و سیاهی محومی شود، چند ثانية طول می‌کشد تا چشم چشم را بپيند، بچه‌ها که متوجه حضور عباس شدند، شروع می‌کنند به دادن گزارش:

- حاج عباس دشمن پيشروي اش را بيشتر کرده، دارو، مواد غذائي، آب آشاميدني سالم و از همه مهمات هنوز نرسيد

همه زل می‌زنند به عباس، منتظر شنیدن يك فرياد بلندیم؛ اما نه... عباس هنوز آرام است، نه استرس دارد و نه تنش و دلهزه. آنقدر آرام که انگار فرماندهی را به کس ديگري سپرده. دو به شک می‌شوم، نکند واقعاً فرماندهی را به کس ديگري سپرده؛ يعني فرمانده جديده که اينقدر و تا اين حد عباس به او اعتماد دارد؟

تنها یاد تو ...

اسمش رامی گذارم مهدی

عباس اسلحه اش را به حالت پیروزی بالا می برد همه خوشحال بودیم، ما هم به تبع فرمانده اسلحه هایمان را بالا می بردیم
عباس با خوشحالی تمام گفت:
- اسمش رامی گذارم مهدی
مهدی ... چه اسم آرامش بخشی، بچه ها هنوز دارند ذکر یامهدی
ادرکنی رازمزمه می کنند، با خودم می گوییم وقتی تنها یادش و
نامش اینطور آرامش را به دل هایمان روانه کرد اگر یارش باشیم
چه می کند.
اسلحه ام را رو به جنگنده هایمی گیرم یکی بکی گر می گیرند و دود
می شوند. هیاهو و صدای بمب و تیر کمتر می شود، بوی عجیبی
می آید، نه بوی دود است و نه بوی خون، نه بوی خاک، عطر
گل نرگس است که در هوای پیچیده
دل می خواهد همیشه سریاز فرمانده جدیدمان باشم،
یا مهدی ادرکنی

چشمم به خالد که نفس نفس زنان نزدیک می شد، می افتد
ضریبان قلبم به شماره می افتد.
- بیچاره عباس، نکند نامردها بیمارستان را زده باشند، اگر
همسر و فرزندش ...
زبانم را گاز می گیرم، فکرش هم آدم را آزار می دهد، کاش عباس هیچ
وقت این خبر را نشنود. صدای خالد توی ذهنم می پیچد:
- متاسفم حال هر دوشون ...
خالد نفس زنان خودش را می رساند به ما، چند تاز بچه ها به
خالد پرخاش می کنند.
- پسر اینجا چی کار می کنی خطرناکه ...
- بچه ها من گفتم که بیاد ...
خالد را صدا کردم، نگاهم می کند و می دود سمت عباس. قلبم به
تب و تاب افتاد، صدایش را به وضوح می توانم بشنوم.
- چند بار گفتم به عباس خبر نده، طاقت ش رو نداره ...
خالد جلو پای عباس می ایستد، دلم می خواهد گوش هایم را
بگیرم که خالد می گوید:
- حاج عباس مژده، هر دو سالمند هم بچه و هم مادر،
مادرتون خیلی خوشحال بود گفت که بچه پسره.



نایه‌های مانده تاظهر

شمایید که رمز جوشش چشمها ای خروشانید و دستان شما لمس پریار زندگی است در رگ برگ‌های درخت...

زمستان قرن هاست خنده را زتن سبزه‌زاران گرفته. لاله‌ها دیگر سراز خاک بر نمی‌آورند، تا نظاره‌گر خستگی نمناک این هوا بخ زده بی شمانباشند...

شما تمام زندگی و دلیل طلوع آفتابید، ای آفتاب زندگی بخش زمین، بی شمادیگر کسی تاب نگریستن به زمین راندارد...

اینجا به غمکدهای می‌ماند که گرگها در نبود شما همه آنچه روزنه امید بهشتی شدن بود را دریده‌اند...

بوی تلخ خون از سرتاسر این کره‌ی خاکی نای نفس کشیدن را ز ما گرفته... چشمان معمصون کودکان قبل از دیدن چهره محمدی تان در آغوش خاک آرام می‌گیرد... و قهقهه مستانه فرزندان ابلیس است که سکوت زمین را در هم می‌شکند...

شمایید که امید همه برای درهم فروپردن کاخ‌های کفرید...

تاظهر شما چند طلوع فاصله داریم؟

ای امید در راه ماندگان و ای آرزوی ستم دیدگان

عاشقان و صلتان هر شامگاه، کوچه‌ها را با نور دل روشن می‌کنند تازمان رسیدن تان در خواب غفلت قرار نگیرند...

شیعیان شما بیک‌گویان منتظرند تا دست یاری گر شما عدالت را بر سفره زمین ارزانی دارد...

آقای سراسر نور... جهان لحظه لحظه انتظار را نفس می‌کشد...

ثانیه‌هار اتا آمدتنان می‌شماریم...

تقویم ماجموعه ظهور را کم دارد...

جشن ظهور تان را به چشمان خسته مان هدیه کنید...

"الله‌هم عجل ولیک الفرج"

زیباروی آل محمد صلی الله‌علی‌ه‌آل،
سلام آقا...

نمی‌دانم امروز چند مین طلوع خورشید از پشت کوه‌های غیبت شماست؟...

نمی‌دانم محلان سفید شما آقا، خبر از چند قرن بی‌خبری ما می‌دهد؟...

یاس خوشبوی زهرا سلام‌الله‌علی‌ها ثانیه‌ها در گذر است و جهان در بی خبری به سر می‌پرد... شباهنگام که در خلوت خود با خدایتان برای بیدار شدن جهانیان اشک می‌ریزید همه خفته‌اند...

فرزند پاک بهترین خلق خدا، من در راه رسیدن به بهشت خضرابی شما گرفتار گرداب دنیا بی پر گناه گشتم...

مهدی جان... دستان پاک قدسی تان باید، تا مرا از این دریای متلاطم و طوفانی به جزیره امن خدایی برساند...

اما مادر این تاریکی رهانکنید... نور وجودتان لازمه رویش دوباره زمین است.

ما مردمان زمین در غفلت تاریک خود، انفجار سبز نور را می‌طلبیم شمایید که بر کرانه آفتاب قدم می‌گذارید... ای تنه‌ها امید گرمابخش زمین، دستان سردمان را بر گرمای قدمتان جانی تازه بخشید

آرزومند ظهور عدالت گستر شما در زمین، ثانیه‌ها را با چشم دل نظاره گریم...

شماید زادمای از آل طاه‌ها هستید...

قدمگاه شما بهشت روی زمین است... تزنم زیبای بهشتی را با آمدتنان بر ما بچشانید. تن خسته زمین این بار جز بارخصت شما آوای زندگی را زمزمه نخواهد کرد... و مرغان خسته آسمان در زمستان کوچ نخواهند کرد...



ای غایب از نظر به خدامی سپارمت

به طور کل هر زمانی که بشر از تصادم و تراحم به تنگ آید و یا در دونش احساس بستگی و خلاص و کمبود روحی، تبلور یابد؛ انتظار در دلش زنده می‌شود، همانطور که گفته آمد. همه انسان‌ها از نظر عقلی یا فطری به این عنصر جوهری معرفاند و اهل دل و بزرگان، در تبیین و تزیریق فهم این پدیده عظیم بسیار کوشیده‌اند؛ حافظ هم به عنوان یک فرد معتقد و متفکر جان سوخته از این قاعده مستثنی نیست.

این نکته مهم را باید فراموش کنیم که حافظ پیش از آنکه شاعر و عارف باشد، شیوه است و با تمثیک و توجه به این اصل یقینی و مُتقن، می‌توان اذعان داشت که شخصیتی چون حافظ که در ای اعتقادات لطیف ناب مذهبی و عرفانی است نمی‌تواند نسبت به پدیده خطیر انتظار فرج حضرت ولی عصر(عج) غافل و بی‌اعتناب باشد.

هر چند حافظ به طور مستقیم به اسم مبارک امام زمان علیه السلام اشاره ای نکرده است، ولی با توجه به شواهد و قراین به مقوله غیبت امام(عج) اشاره صریح دارد و این امر نشانگر توجه و تدبیر اوبه وجود شریف امام زمان علیه السلام است.

انتظار دریچه مخفی و ناشناخته اتصال خداوند است، ولی گشودن این دریچه مقدماتی دارد که تغافل از آن، مایه خسروان و هبوط ابدی است. ناگفته نماند که وصول به نقطه کمال هر پدیده‌ای منوط به شناخت و فهم آن پدیده است که نتیجه آن حرکت و کمال می‌باشد.

برای انسانی که نگاهش نسبت به ذرات آفرینش، تصنیعی، خام و متجرانه وجودش مستترق توهم‌های فرعونی است، ضرورت شناخت منتفی است. ولی کسی که تشنۀ حقیقت کمال و کمال حقیقت است، حتی لرزش برگی برای او، اشاره‌ای است حقانی.

در مورد انتظار باید بینیم که چه نوع انتظاری، حاوی امواج و پرتوهای الهی می‌باشد. عاشقانی هستند که فکر و ذکر و نسیم نگاهشان، تفسیر «موتو قبل ان تموتا»^۱ است و بر عکس عاشق نماهایی هم وجود دارند، که حرکات و سکناتشان یادآور آیه شریفه «کالاعلام بل هم اضل»^۲ است که همواره در انتظار، جویای انتخابند؛ ولی منتظران واقعی، انتظارشان از مقوله عشقی است که منشار حمانی دارد و این محب راستین است که موشکاف راز انتظار محبوب خویش است. امروزه عاشقانه‌ترین انتظار، انتظار فرج حضرت امام زمان(عج) است.

پس آیا به راستی ما چه کردیم؟ زیباترین عرض ارادت قلبی و چاکری در حق مولایمان، فهم باطنی انتظار به دور از بازتاب‌های شیطانی است.

شمس الدین محمد شیرازی مخلص به حافظ و ملقب به لسان الغیب، یکی از پر رمز و رازترین شاعران جهان است. نام پدرش بهاء الدین می‌باشد که بازگانی می‌کرده و مادرش اهل کازرون شیراز بوده است.

تاریخ تولد او را بعضی‌ها سال ۷۹۲ هـ و برخی بین سال‌های ۷۳۰ - ۷۲۰ هـ ثبت کرده‌اند که او ایل قرن ۸ هجری بوده است. بعد از مرگ پدرش، برادرانش که هر کدام بزرگتر از او بودند، به سوی روانه شدن و شمس الدین با مادرش در شیراز ماند.

همین که به سن جوانی رسید، در نانوایی به خمیرگیری مشغول شد، تا آنکه عشق به تحصیل کمالات اورابه مکتب خانه کشاند. تحصیل علوم و کمالات را در زادگاه خود کسب کرد و مجالس درس علم و فضای بزرگ شهر خود را درک نمود. او قرآن کریم را از حفظ کرده بود و بنابر تصریح صحابان نظر، تخلص حافظ نیز از همین امر نشأت گرفته است.

وفات حافظ را بین سال‌های ۷۸۵ تا ۷۷۵ هـ نوشتند.

برگرفته از لیلا صوفی، زندگینامه شعرای ایرانی، بخش زندگی حافظ.

انتظار حافظانه

همان طور که می‌دانیم، از مهمترین مواردی که در همه ادیان و مکتب‌های عالم، به طور جذی و مفصل بدان اشاره شده، مساله انتظار است؛ یعنی ظهور کسی که در آینده نه چندان دور، عرصه گیتی را غرق نور حقیقت و عدالت می‌کند که در فرهنگ دینی مایه انتظار فرج حضرت امام زمان(عج) تعبیر شده است.

اسلام هم به عنوان کامل ترین و آخرین دین الهی مسأله را در وسیع ترین ابعاد، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است؛ انسان از زمانی که در این کویر حیرت زده پانهاد و در نهاد خود احساس تشنگی را به نهال زندگی پیوند داد، جانش دوخته و سوخته درد انتظار بود. البته نوع تفکر و نگرش در مسأله انتظار، متفاوت است؛ انتظار از دیدگاه یک انسان سوخته و تشنۀ حقیقت، انسانی که در اثر جدایی از اصل خویش، معتقد و امیدوار رجعت اصل، به روزگار وصل است با انسانی که در پس کوچه‌ای خیابان زارهوس، به انتظار لبخندی تنفس می‌کند یا با شخصی که در گرداب بیچارگی‌های ماذی ندای حق بسرمی دهد فرق دارد.

۱. بحار الانوار، جلد ۷۲، ص ۵۹
۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۹

مهدویت در شعر حافظ

حسب حالی ننوشتیم و شدایامی چند
محرومی کوکه فرستم به تو پیغامی چند
ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید
هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

ای غایب از نظر به خدا میسپارمت
جانم بسوختی و به جان دوست دارمت

ای پادشاه خوبان داداز غم تنها یاری
دل بی توبه جان آمد وقت است که بازآیی

مزدهای دل که مسیحانفسی می‌آید
که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش
زده ام فالی و فریادرسی می‌آید

درد عشقی کشیده‌ام که مپرس
زهر هجری کشیده‌ام که مپرس
گشته‌ام در جهان و آخر کار
دلبری برگزیده‌ام که مپرس

شباht حضرت مهدی به پیامبران

حافظ اشاراتی درباره شباht حضرت مهدی - علیه السلام - به
پیامبران دارد. در این راستا چند نمونه از ابیاتی که به صورت
پراکنده در شعر حافظ آمده است، ذکرمی کنیم:

۱. حضرت سلیمان:

گرچه شیرین دهنان پادشاهندولی
او سلیمان «زمانت که خاتم بالاست

۲. حضرت عیسی:

مزدهای دل که «مسیح‌ها» نفسی می‌آید
که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید

از روان بخشی «عیسی» نزنم پیش تدم
زانکه در روح فرایی چولبت ماهر نیست

۳. حضرت یوسف:

«یوسف» گم گشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

حافظ مکن اندیشه که آن «یوسف» مه روی
باز آید و از کلبه احزان به در آیی

گفتند خلائق که توبی «یوسف ثانی»
چون نیک بدیدم به حقیقت بررسیدم

ما در صدد آزاد کردن انرژی متراکم
عالمند اسلام هستیم

ازدواجت

عاشورا سنگ بنای ظهور و تقویت
کننده تمام نهضت‌های قبل از آن است،
حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام، باندای جاوید
(هل من ناصرینصرنی)، یک جریان مستمر را در
طول تاریخ پایه‌گذارد که مجاهدان و تربیت‌شدگان این
مکتب، ناصران واقعی دین خواهند بود. چنانچه، امام راحل (ره)
می‌فرمودند: (ما در صدد آزاد کردن انرژی متراکم عالم اسلام
هستیم)، این انرژی متراکم، همان فطرت است که آزاد کردن آن، زمینه‌ساز
ظهور خواهد بود.

آیت‌الله محبی‌الدین حائری شیرازی

آیت‌الله رضا استادی



۱ اراده شیطانی

با مراجعه به قرآن و روایات، روشن می‌گردد که همواره گروهی، مخالف حیات دین
وبه عبارت دیگر، دین‌ستیز بوده‌اند. قرآن از این خط و جریان فکری به صورت یک
اراده، یادمی کند (سوره نعام؛ آیه ۱۱۲).

نهضت عاشورا و انتظار

۲ به گستره جهان

در برایر این اراده نیز، اراده الهی قرار دارد که می‌خواهد دین اسلام بر همه جهان، حاکمیت یابد. خدای تعالی به این مسأله وعده
داده و بر اساس این اراده دین اسلام می‌بایست در همه پهنهای جغرافیایی جهان، گستره شود که البته این گستردگی و چیرگی، به واسطه
حقانیت و منطق قوی و عقلانی این دین است.

۳ روشنگری امام

قیام عاشورا، حرکتی برای بازگرداندن دین به مسیر اصلی بود امام حسین علیه‌السلام، برای اصلاح
امت جدش ملی‌العلی‌والله قیام کرد و کوشید تا در برایر جریان دین‌ستیز جامعه، روشنگری نماید. پس از
قیام عاشورا جدایی خط‌نفاق از خط اسلام، برای همگان آشکار گشت.

۴ حق و باطل

عزادری به معنای تذکر این مطلب است که همواره دو خط مخالف، در طول تاریخ بوده است؛ خطی که پیامبران
و اولیا و اوصیا در آن قرار داشته و دارند و خطی که فرعون و یزید و امثال‌هم در آن بوده و هستند.
اینان کسانی هستند که می‌خواهند نور حق و حق طلبی و عدالت‌خواهی از میان بروود و حکومت صالحان بر روی زمین، محقق نگردد. در
مقابل، نهضت انتظار نیز به معنای اعتقاد به پیروزی نهایی صالحان است که نمونه روشن آن، امام حسین علیه‌السلام و نهضت‌وی
می‌پلشد.

حجت‌الاسلام و المسلمین فوادیان



راه سرخ و سبز

از تبار حسین علیه السلام

در روایات زیادی به این نکته اشاره شده است که امام مهدی علیه السلام، «همین فرزند امام حسین علیه السلام» است. نکته قابل توجه، آن است که در بیشتر احادیثی که از وجود مقدس پیامبر ملی اللہ علیہ السلام در باره حضرت ولی عصر (عج) نقل شده، با عنوانی چون: «از تبار پسرم، حسین»، «از نسل این پسرم» و «همین فرزند پسرم حسین» از حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است.

خدو امام حسین نیز، در ضمن روایتی می‌فرماید: «قائم این امت، نهمین فرزند من است. او صاحب غیبت است و کسی است که میراثش را در حیاتش تقسیم می‌کند».^۱

۶

منتقم خون حسین علیه السلام

«قائم» از القاب مشهور حضرت حجت علیه السلام می‌باشد. امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرموده‌اند: «چون جریان شهادت امام حسین علیه السلام واقع شد، فرشتگان به درگاه الهی نالیدند و به خداوند عرض کردند: «بار خدایا آیا با حسین علیه السلام که انتخاب شده تو و فرزند پیامبر تو است، باید این چنین رفتار شود؟» پس خداوند، شبح و سایه قائم (عج)، را در حالت ایستاده، برای آن‌ها مجسم کرد و فرمود: «این قائم از ستم‌کنندگان به حسین، انتقام خواهم گرفت».^۲

۷

شبانه روز بر توندبه می‌خوانم

در عظمت و شرافت خدمت‌گذاری و نصرت آن آستان بلند، همین پس که امام زمان علیه السلام نیز عاشق جد بزرگوار خود و مشتاق خدمت به است. آن حضرت در زیارت ناحیه مقدسه می‌فرماید:^۳ «اگر روزگار، مرا به تأخیر انداخت و مقدرات، مرا از یاری و نصرت تو در روز عاشورا باز داشت، اکنون، صبح و شام بر تو ندبه می‌کنم و به جای قطرات اشکه، بر تو خون می‌گیریم».

۸

روز عاشورا

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «قائم - درود خدا بر او باد - در شب بیست و سوم ماه رمضان، به نام آشریف‌ش آندا می‌شود، و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علیه السلام در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».^۴

امام محمد باقر علیه السلام نیز فرموده است: «گویا حضرت قائم (عج) را می‌بینم که روز عاشورا که روز شنبه است، بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل، پیش روی او ندا می‌کند: "بیعت برای خدا است". پس زمین را پر از عدل می‌کند؛ همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده بود».^۵

۱. یاد مهدی، محمد خادمی شیرازی، ص ۱۶ و ص ۱۳۲.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ اثبات‌الهدا، ج ۶، ص ۳۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴.

۳. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲.

۵. الغيبة، طوسی، ص ۲۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ معجم احادیث الامام مهدی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۶. الغيبة، طوسی، ص ۲۷۴؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ معجم احادیث الامام

مهدی، ج ۳، ص ۲۹۲.

برگرفته از کتاب از فرات تا فرات
از نهضت سرخ حسینی تا انقلاب سبز مهدوی

سلوک با عاشورای حسینی تا خیمه مهدوی

ایام الله ۹

به تعبیر روایات، ایام الله سه هنگامه «ظهور»
«رجعت» و «قيامت» هستند در هر سه اين
ایام، يوم الحسين محور است؛ زيرا در روز ظهور،
شعار لشگریان امام زمان (عج) «يالشارات
الحسين» خواهد بود؛ در زمان رجعت، اولين
کسی که به دنیا باز خواهد گشت، حضرت
اباعبدالله عليه السلام خواهند بود و در روز
قيامت نيز، بهشتیان، زیر پرچم امام حسين
عليه السلام گرد خواهد آمد



آيت الله سيد محمد مهدی مير باقرى

موانع سلوک با اوليادخدا ۱۰

آمادگی برای ظهور ۱۲

کوفیان تصور می کردند که آگر چه در جبهه سید الشهدا عليه السلام
نباشند، می توانند به صفت اولیاء خدایی راه یابند و به بهشت بروند.
آن گمان می کردند که برای اصلاح شدن، نیازی به سید الشهدا
عليه السلام ندارند و در خیال خودشان طوف می کرند و نیازی خوشنده
تا تهذیب شوند!

امروز هم آمادگی برای ظهور، جزو وظایف منتظران محسوب
می شود و از آن جا که ظهور، ناگهانی واقع می شود، باید در همه
حال، آمادگی خود را حفظ کنند.
اصحاب امام زمان عليه السلام به دلیل برخورداری از آمادگی، به
محض شنیدن ندای حضرت، همگی در مکه جمع می شوند. آنان به
گونه‌ای آماده‌اند که اگر آب، دست‌شان باشد، زمین می گذارند و
برای یاری امام خود می شتابند.

- الف) عدم آمادگی همراهی با ولی خدا
- ب) علاقه به دنیا
- ج) جمع بین دنیا و آخرت
- د) احساس عدم احتیاج به ولی خدا

گریه خوف ۱۱

یکی از اقسام گریه در مراسم سید الشهدا عليه السلام گریه خوف
است؛ یعنی انسان واقعاً خائف باشد که مبدأ جزو مدعیانی قرار
بگیرد که نامه نوشته و گفته: «بغاهای ما، آماده، نهرهای ما،
جاری و مزارع ما، خرم و آباد است و فقط منتظر قدم شما
هستیم»؛ اما هنگامی که ولی خدا به سویشان آمد، به روی او
شمیز کشیدند و اورا محاصره کردند.

۱۲ گریه خوف

اگر انسان، هر روز صبح، فکرش این نباشد که «امروز، کدام کار امام زمان عليه السلام، زمین مانده است تا من بدردم؟»، به جایی نخواهد رسید.
اگرچه طبق متن صواتی که از امام حسن عسگری عليه السلام برای امام عصر (عج) نقل شده،^۱ بار ما نیز، امام
زمان عليه السلام بر می دارد؛ اما به هر حال، باید دید کجای اردوگاه ایشان، خالی است تا همان جا پر کرد.

۱. «اللهُمَّ انصِرْهُ وَ انتصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ انصِرْ بِهِ اولِيَّكَ وَ اولِيَّاهُ وَ شَيْعَتِهِ وَ انصَارَهُ» «خدایا او را یاری کن و به وسیله او، دوستان خود را و دوستان و
شیعیان و یاران او را یاری کن».



١٤ وجوه مشترک یاران امام زمان و امام حسین علیهم السلام

- معرفت به امام
- عشق و محبت به امام
- اطاعت از امام
- تقدیم امام بر خود و بر روابط خویشاوندی
- دشمن‌شناسی
- عبادت و معنویت
- وظیفه‌شناسی
- دفاع و حمایت از امام
- تلاش خستگی‌ناپذیر

از فرات تا فرات

دو قیام حق طلبانه



حجتالاسلاموالمسلمین رحیم کارگر

هر دو قیام (حسینی و مهدوی)، در جبهه «حق» تعریف می‌شوند و در برابر آن‌ها، گروه «باطل» قرار می‌گیرند. هدف هر دو، اصلاح جمله فاسد و روبه تباہی است و مهم‌ترین برنامه آن‌ها، احیای آموزه‌های والای دینی- انسانی و ریشه‌کنی ناهنجاری‌ها و موانع رشد و کمال انسان‌است.

آغازگر و پایانی بخش ١٥

پیام سیاسی - دینی این دو قیام، مبارزه با حکومت‌های جور و فساد، عدم سازش با جباران و طاغوت‌ها است و هدف اصلی آن‌ها، رساندن جامعه شری به تعالی و کمال نهایی - یعنی عبودیت و قرب خدای متعال - است. یکی، آغازگر جهادی خونین و حمامه‌ای بی‌نظیر علیه ظلم و فساد و بی‌دینی است و دیگری، پایان‌بخش طومار عمر باطل و هدایت‌گر مبارزه نهایی علیه شر و کفر.

١٨ واقعه انقلاب‌ساز

در واقعه عاشورا هر چند در ظاهر، غلبه و چیرگی، از آن بزید و بزیدیان بوده است؛ اما در واقع، امام حسین علیه‌السلام پیروز شد و توanst اندیشه و پیام خود را برای همه عصرها و ملت‌های دنیا بزرگ کرد. به همین جهت است که در نهضت مهدوی، راه و آرمان او، هویتا و اندیشه و پیامش احیا خواهد گردید؛ به عبارت دیگر، الگو و اسوء انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام، قیام خونین حسینی است.

چنانچه امام راحل (ره) در این باره می‌فرمود: «واقعه عظیم عاشورا- از سال ٦١ هجری- تا خرداد ٤٣، واز آن زمان تا قیام حضرت بقیت الله - ارواحنا لمقیمه الفدا- در هر مقطعی، انقلاب ساز است». ^۱

١٧ بشارت

امام مهدی علیه‌السلام انتقام گیرنده خون حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام خواهد بود. این بشارت و وعده‌ای است که خداوند متعال، در روز عاشورا به فرشتگان داده است. پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز انتقام گیری خون حسین علیه‌السلام ابر عهد مهدی موعود علیه‌السلام دانسته‌اند. در روایت مشهوری آمده است:

«هنگامی که قائم (عج) ما قیام کند خون حسین علیه‌السلام را طلب خواهد کرد». ^۲

١٩ سعادت و شقاوت

«شقاوت» و «سعادتی» که در کربلا مشاهده شد، بار دیگر، در مقیاس کلی تر و در سطح گسترده جهانی، در عصر ظهور دیده خواهد شد. مخالفان و دشمنان حضرت مهدی علیه السلام نیز از طيفها و گروههای مختلفی خواهند بود.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۶۱؛ بحار الانوار، ح ۶۴، ص ۲۱۸، ح ۷.

۲. صحیفة نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

شعر مهدوی و حسینی

سرت سلامت

عارفه دهقانی

سلام حُسن زمین و زمان... سلام حسین
سرت سلامت و ماهِ رخت تمام، حسین ا

چقدر دور سرت آفتاب می‌گردد
ستاره‌ها همهٔ محو تو صبح و شام... حسین ا

تو سروری و عجب نیست پیش پای سرت
بایستند درختان به احترام حسین*

سرت به نیزه بلند است در برابر من...
چنان بلند که شدرشک خاص و عام حسین

اسارت سر و داغ فراق و از طرفی
غم اهانتِ پسکوچه‌های شام، حسین ا

دلم که تنگ تراز دست مردمان شب است،
شکسته مثل سرت بین ازدحام، حسین

خدا اگر بپذیرد، قشنگ خواهد شد
هر آنچه بر سرم آمد در این قیام، حسین ا

"سرم خوشت و به بانگ بلند می‌گویم"
همیشه درد، حسین است والتیام، حسین

* اشاره به بخشی از شعر سپید استاد گرما روی
** تضمین از مصرعی از حافظ

پیراهنی بفرست

علی اکبر لطیفیان

جز رحمت چشمان تو، دنیا چه می‌خواهد
تشنه به غیر آب، از دریا چه می‌خواهد

حالا که موسایم شدی راهی نشانم ده
غیر از نجات، این قوم از موسی چه می‌خواهد

شاید پرسی از چه دنبال دمت هستم
دل مرده نوعاً از دم عیسی چه می‌خواهد

پیغام و پس پیغام تو یعنی یاد ما هستی
مجnoon جز این پیغام از لیلا چه می‌خواهد

پیراهنی بفرست شاید زنده ماندم من
جز دل خوشی، یعقوب نابینا چه می‌خواهد

تا کیسه ما پر شود احسان تو کافی است
مسکین به جز خیرات از آقا چه می‌خواهد

چیز مهمی نیست این که ما چه می‌خواهیم
باید ببینیم آن جناب از ما چه می‌خواهد

ای انتقام پهلوی پشت در خانه
غیر از ظهور تو مگر مادر چه می‌خواهد

سـرـهـ بـنـیـ زـهـ بـلـتـنـدـتـ

کوی انتظار

در کوچه پس کوچه های شهر
در هیاهوی زمین و زمان
و در تکرار روزانه صبح و شام
تنها ساکنان کوچه انتظار
امیدشان را از دست نخواهند داد...
یاد خواهند گرفت،
پرس و جو خواهند کرد

و در مسیر درست گام برخواهند داشت
برای آشناتر شدن با مولایمان در کوچه های
انتظار قدم می زنیم

انتظار عالمانه
پای صحبت های آقا

نهضت مردمی
معرفی منتظران

پرسش و پاسخ از حسین تا مهدی
آناق پاسخگویی

دانشگاه منتظر
راهنمای



بیانات در دیدار
اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت
۱۳۹۰/۰۴/۱۸

انتظار علمائه

اهمیت مسئله مهدویت

مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی در چرخهٔ حلقهٔ معارف عالیه دینی است؛ مثل مسئلهٔ نبوت مثلاً اهمیت مسئله مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست همان چیزی است که همهٔ انبیاء، همهٔ بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساختهٔ پرداخته بر اساس عدالت و با استفاده از همهٔ ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده.



امتیاز شیعه

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همهٔ تلاش انبیاء، همهٔ این دعوت‌ها، این بعثت‌ها، این زحمات طاقت‌فرسا، اینها هم‌باش بی‌فایده‌باشند، بی‌اثر باشند.

امتیاز شیعه در این است که مسئله مهدویت در آن یک مسئله‌مهم نیست؛ یک مسئله پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست؛ یک مسئله روشن است، مصدق واضحی دارد که این مصدق را می‌شناسیم، خصوصیاتی از او را می‌دانیم، پدران او را می‌شناسیم، خانواده او را می‌شناسیم، ولادت او را می‌شناسیم، جزئیات آن را خبر داریم،

حرکت به سمت اهداف

دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوران جامعهٔ توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان‌هاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است.

همهٔ حرکتی که بشریت در سایهٔ تعالیم انبیاء، در طول این قرون متمادی انجام دادند، حرکت به سمت جادهٔ آسفالته عربی‌ضی است که در دوران حضرت مهدی عجل الله تعالیٰ فرجه‌الشريف به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جادهٔ حرکت خواهد کرد

انتظار لازمه آماده سازی خود

انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد و قتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَ لَقِدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورَ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عَبْدَ اللَّهِ الْمَالِكُونَ أَنَّ فِي هَذَا الْبَلَاغَ لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»^۱ - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود است.

جاده زمان ظهور

در طول این قرون متمادی، بشر از کجراههای، بیراههای، راههای دشوار، سخت، با برخورد با موائع گوناگون، با میدن رنجور و پای مجرح شده و زخم آلود، در بین این راهها حرکت کرده است تا خودش را به این جاده اصلی برساند. این جاده اصلی همان جاده زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاح‌حرکت بشریت به یک معناز آن‌جا شروع می‌شود.

همیشه منتظر باشیم

انتظار عالمانه

از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله انتظار و مسئله دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عالمانه و جاهلانه بشدت باید پرهیز کرد

پرهیز از کار عالمانه

کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمنات؛ اینجور کاری مردم را حالت انتظار حقیقی دور می کند، زمینه را برای مدعیان دروغگو و دجال فراهم می کند؛ از این بایستی بشدت پرهیز کرد و قتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کار عالمانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عالمانه بایستی بشدت پرهیز کرد.

انس با مهدویت

هرچه دلها با مقوله مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیا ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود

تسلیم نشویم

این توسلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد این ها بسیار بالرژش است. و تسلی، توجه، انس با آن بزرگوار از دور است. این انس به معنای این نیست که حالا کسی ادعا کند که من خدمت حضرت می رسم یا صدای ایشان را می شنوم؛ ابداً اینجور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته می شود، ادعاهایی است که یادروغ است، یا طرف دروغ هم نمی گوید، تصور می کند، تخیل می کند. ما کسانی را دیدیم، آدمهای دروغگویی نبودند، اما خیال می کردند، تخیل می کردند؛ تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل می کردند انیستی تسلیم اینها شد

هیچ وقت نمی شود گفت که حالات ها یا مدت ها مانده است که این اتفاق بیافتند، هیچ وقت هم نمی شود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود

خودمان را با عدل آشنا کنیم

انتظار ایجاب می کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است این لازمه ای انتظار است. انسان آوقتی بناسرت در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم انتظار یک چنین حالتی را به وجود می آورد.

قانع نباشیم ...

یکی از خصوصیاتی که در حقیقت انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجوده به اندازه پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روز به روز این پیشرفت را، این تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینهال الزم انتظار است.

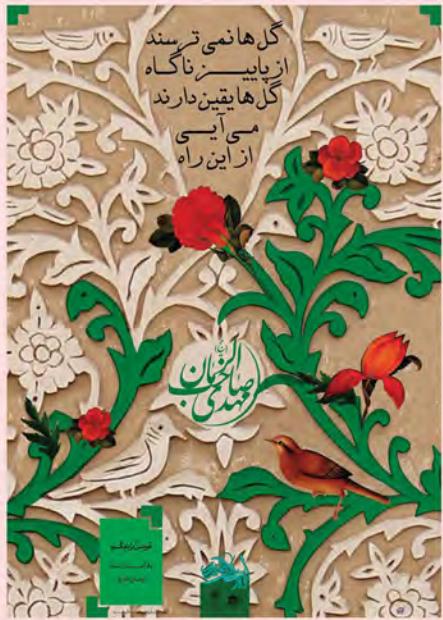


mahdaviat.ir
دربیت صوت کامل و گزارش تصویری

۱۰۶ و ۱۰۵. آنیا:



را از پی راه جداست - طراح هاله سلادات و جدایی قبل از ظهر و مهدی موعود (چ)، در میان های مجاهدت، انسان هایی باک امتحان می شوند. در کوره های تاباپشن و آدم می شوند و سر بلند بیرون می آینند و چنان به دو زان آرمانی و هدفی مهدی موعود (رواحا فهاد) درود و زمزمه می شوند.



دیدار عشق - طراح: مهدی جعفری
امام سجاد علیه السلام می فرماید: منتظران
ظهور او بهترین اهل همه دوازده هاستند، زیرا
خدای تبارک و تعالی آنچنان عقل و فهم و
شاختی به آنها عنایت کرده که غیبت نزد
آنها همچون دیدن باشد.



نهضت مردمی
پوسترانقلاب
Postermovement

نهضت از زبان اهالی آن

فتنه سال ۸۸ بود و محرم هم از راه رسیده بود.
اما در تبلیغات دولتی اثری از محرم سیاسی
ننده بیم، آن طرفی‌ها ولی محرم سیاسی را زده
بودند سر نیزه. چه باید می‌کردیم؟ من
آمدم، تو هم آمدی، او هم آمد و شدیم ما.
شدیم بچههای نهضتی که آن روز نهضت
مردمی پوسترها عاشورانم گرفت و خیلی
زود برای خود در فضای مجازی سنگری در
خط مقدم یافت. زنگ زدیم، پیامک
فرستادیم، از مشهد به دور و نزدیک، برای
رفقای مجازی و حقیقی مان، برای فعالان
سایبری، خبرنگاران، طراحان، برای هر کسی
که نام و نشانی از او داشتیم در سراسر کشور.
چند تا جوان دغدغه مند گرافیست دیگر هم
با این حلقه پیوستند. جمع ماجموع ترشد
بنیانیم بروایتمندی بود.
قرار گذاشتیم هر طرف انگشت اشاره آقا رفت
قلم ماهمه بروند.

نهضت مردمی پوستر انقلاب، در واقع یک شبکه مردمی است مشکل از طراحان جوان و حرفه‌ای کشور که در واقع حول محور دغدغه‌های رهبری و اولویت‌هایی که حضرت آقا مطروح می‌کنند خلق اثر می‌کنند و این آثار را با کیفیت چاپ در اختیار مردم می‌گذارند. در واقع اولین انگیزه برای شکل‌گیری نهضت این بوده که اثر فاخر برای مردم تولید شود.



ای عدل کامل - طراح: آزاده قربانی

درد بزرگ بشریت امروز همین مسئله فقیان عالات است، همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل‌های مختلف بر مردم جفا کردند. بشریت را زیر فشار قرار دادند و انسان‌ها را از حقوق طبیعی خود محروم کردند. اما امروز این فضای همیشه تاریخ پیشتر است و رفع آن را انسان در ظهور مهدی موعود (عج) می‌طلبد و انتظار میرد

مقام معظم رهبری - نیمه شعبان ۱۳۸۱

هر چیز و در چیزی داشتند سخنگوی همیشه شدند

مودودیان

مجموعه‌هایی که توسط نهضت مردمی پوستر انقلاب تولید شده بالغ بر ۱۲۱ مجموعه است و حدود ۱۰۰۰ پوستر، که حاصل ده ها کارگاه شهرستانی و کشوری است. همچنین طراحانی که تاکنون در سایت نهضت، کارشان را به مردم تقدیم کرده‌اند به ۱۴۰ نفر می‌رسند. تاکنون شش مجموعه با محوریت انتظار و مهدویت به همت این نهضت با عنوانی چون «انتظار انقلابی»، «به انتظار برخیزیم»، «مهدی یاران»، «دانشگاه منتظر» و «به هوا تو» تهیه و رائمه شده است که در صفحه مجازی این مجموعه قابل مشاهده و دریافت است.

دیدیم که در بساط ما آهی نیست - طراح آزاده قربانی



و می‌گذرد

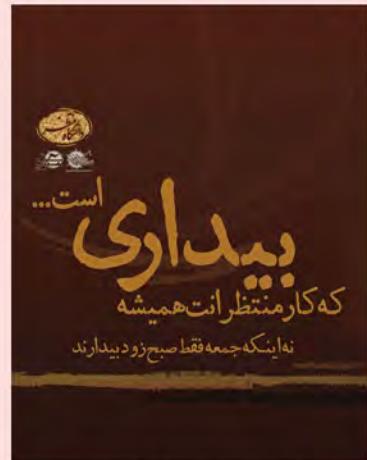
چشم انتظار توبودن ثواب نیست وظیفه است
طراح: مهدی جعفری
خدای متعال به دست او سرزمین بشری و همه روی زمین را ز عدالت و دادگستری پر خواهد کرد انتظار چنین روزی را باید داشت نباید اجازه داد که تصرف شیطان‌ها و عدوان طواغیت عالم، شعله امید را در دل خاموش کند. باید انتظار کشید



مجموعه فعالیتهای نهضت



postermovement.ir



کارمنتظرات همیشه بیداری است
طراح: حامد الهی نیک

هنرمندانقلابی باید قبل از آنکه
بخواهد با شگردهای تبلیغاتی یک اثر
چشم پر کن بیافریند، و سعی کند
 فقط یک حس خوب را به مخاطب
 خود منتقل کنند سعی کند معنای
 زندگی بهتر را دوباره برای مردم
 باز تعریف نماید. و همین جانقطعه آغاز
 تولید یک پوستر در نهضت است.

نهضت
بیداری

صفرتا صدپوستر

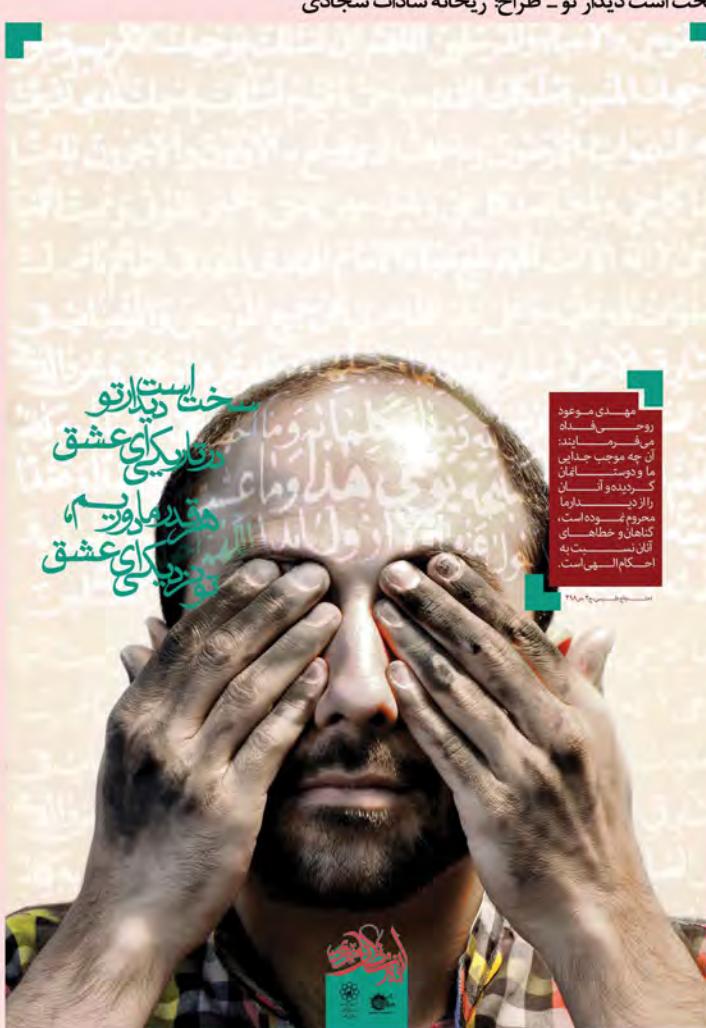
چرخه تولید از موضوع، محتوای آن و سپس ادبیات آغاز می شود

در واقع اولین کسانی که یا علی می گویند بجهه های ایده پرداز و ادبیات ساز ما هستند که معمولاً بیشترین نقش و کمترین نام و نشان را دارند. ادبیات، جملات و شعارها مانند میان تبرهایی هستند که راه طراح را برای رسیدن به محصول مناسب کوتاه می کنند و این، یکی از مهمترین نقاط بروز کار تیمی هم افرا در نهضت است.

طراحان البته شیوه های خودشان را در ایده پردازی تصویری دارند. گاه فرازابه اقامه پوستر می پردازند و برای سایت نهضت می فرستند تا به مردم اهدا شود و یا در قالب کارگاه هایی به جماعت پوستر تولید می کنند.

این کارگاه ها که با کمترین امکانات ولی با بالندترین همتها و حضور بزرگترین اساتید برگزار می شوند، قرار است چند نقش را یکجا ایفا کنند از تولید محصول گرفته تا آموزش و ارتقاء سطح فنی و استحکام شبکه طراحان.

یاقالم آل محمد - طراح: زینب رباني خواه

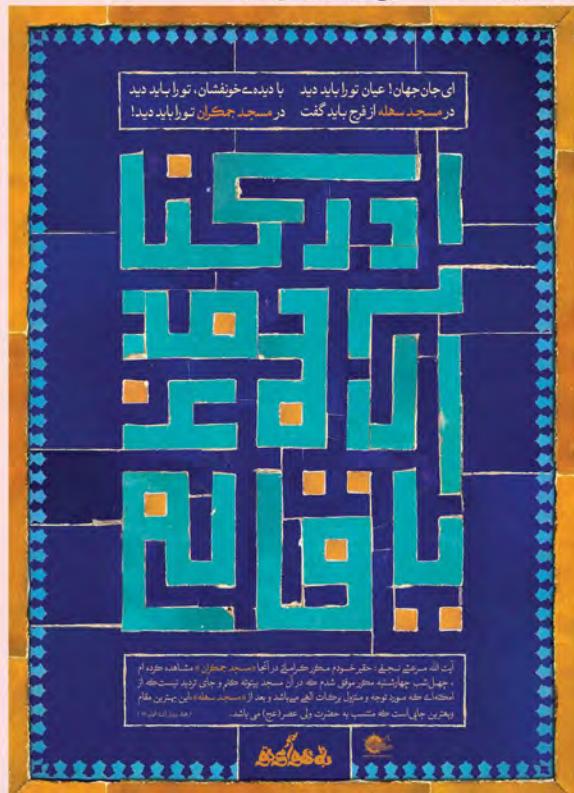


تمرد

البته چرخه کاری نهضت به اینجا ختم نمی شود. اقامه جماعت هنوز ادامه دارد. در نگاه ما، پوستر وقتی طراحی می شود هنوز در میانه یمسیر سلوک خود قرار دارد. و این سلوک که از لبان رهبری آغاز شده و از ایده و ادبیات و طراحی گذشته، آنجایی ختم می شود که به دست مردم بررسد.



کتابچه "انتظار انقلابی"، حاوی ۴۱ پوستر برگزیده از تولیدات نهضت مردمی پوستر انقلاب، با موضوع مهدویت و انتظار فعل



پرسش و پاسخ
سamanah piyamkhi ۱۳۶۶

آیا امام حسین علیه السلام از ولادت حضرت مهدی علیه السلام غیبت ایشان خبر داده است؟

خبر ولادت و غیبت امام زمان علیه السلام و بشارت ظهور ایشان از اخبار غیبی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همه امامان معمصون علیهم السلام فرمود: «فی التاسع من ولدی سنت من یوسف و سنت من موسی بن عمران و هو قائمنا أهل البيت يصلح

امام حسین علیه السلام فرمود: «فی التاسع من ولدی سنت من یوسف و سنت من موسی بن عمران و هو قائمنا أهل البيت يصلح اللہ تبارک و تعالی امرہ فی لیلۃ واحده»^۱

در نهضت از فرزندانم سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت علیهم السلام است. خداوند متعال امر اور رادر یک شب اصلاح خواهد نمود.

در روایت دیگری امام حسین علیه السلام علاوه بر اینکه به تولد امام زمان علیه السلام اشاره دارند، دوران غیبت را توصیف کرده و پادشاه معتقدین به امامت امام عصر(عج) رانیز بیان می فرمایند: عبدالرحمن بن سلیط گوید: امام حسین علیه السلام فرمود: از ما خاندان دوازده مهدی خواهد بود که اولین آنها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرين آنها نهضت از فرزندان من است و امام قائم به حق است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از موت زنده کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان چیره نماید گرچه مشرکان را ناخوش آید، او را غیبی است که اقوامی در آن مرتد شوند و دیگرانی در آن پارچا باشند و اذیت شوند و به آنها بگویند: اگر راست می گوئیدم و عده چه وقت عملی شود؟

بدانید کسی که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر پاشد مانند مجاهدی است که با مشییر پیش از روی رسول خدا صلی الله علیه و آله مجاهده کرده است.^۲

نقش خواندن زیارت عاشورا در زنده نگه داشتن یاد امام زمان علیه السلام و ترویج فرهنگ مهدویت چیست؟

زیارت عاشورا از بافضلیت‌ترین زیاراتی است که تنها مختص به روز عاشورا نبوده و بزرگان در همه ایام به خواندن آن سفارش کرده‌اند و حتی در تشریفی که سید احمد رشتی موسوی به خدمت حضرت ولی عصر احوال‌گفته، رسیده بود، خود حضرت به او فرمودند:

«شما چرا عاشورانمی خوانید؟ عاشورا عاشورا عاشورا!»^۳

شاید سفارش حضرت به خواندن عاشورا از آن جهت است که منتظران واقعی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، باید ولایت‌پذیری و دوستی ائمه علیهم السلام و تبری از دشمنان آنها را با خواندن مکرر «لی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم» همواره متذکر شوند و همراهی در رکاب امام زمان (عج) را از خداوند مستلت کنند.

پرسش و پاسخ

مهدیه سعیدی نشاط



۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص: ۳۱۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة ترجمه پهلوان، ج ۱، ص: ۵۸۴.

۳. نجم الثاقب در احوال امام غایب (علیه السلام)، ج ۲، ص: ۷۱۴.

بنابراین خواندن با توجه زیارت عاشورا، در زنده نگه داشتن یاد امام زمان علیه‌السلام و ترویج فرهنگ مهدویت اثر مستقیمی دارد چراکه در آن به دوستی و همراهی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان ایشان و انتظار فرج و دعا برای خونخواهی امام حسین علیه‌السلام در راکاب امام زمان علیه‌السلام تاکید شده است.

آیا حضرت مهدی علیه‌السلام، انتقام خون امام حسین علیه‌السلام را خواهد گرفت؟

از روایات فراوانی استفاده می‌شود حضرت مهدی علیه‌السلام هنگام قیام جهانی خود، از ستمگرانی که به خاندان او و شریطت سنت کردند انتقام خواهد گرفت؛ بدین سبب است که یکی از لقبهای آن حضرت منتقد است.^۵

از جمله روایاتی که به انتقام گرفتن از قاتلین امام حسین علیه‌السلام تصریح دارد روایتی است که ابو حمزه ثمالي نقل می‌کند که: از امام باقر علیه‌السلام پرسید: یا بن رسول الله مگر شما ائمه، همه «قائم» نیستید؟ فرمود: بلی. عرض کرد: پس چرا فقط امام زمان علیه‌السلام را «قائم» نامیده‌اند؟ فرمود: «چون جتن امام حسین علیه‌السلام شهید گردید، فرشتگان، به درگاه الهی نالیدند و گفتند: پروردگار! آیا قاتلین بهترین بندگانست، و زاده اشرف برگزیدگانست را به حال خود وامی گذاری؟ خداوند به آنها وحی فرستاد که ای فرشتگان من! آرام گیرید به عزت و جلالم سوگند از آنها انتقام خواهیم گرفت، هر چند بعد از گذشت زمان ها باشد.

چنانکه در دو فراز از زیارت عاشورا به این مهم اشاره شده است. در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

«فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ امَامٍ مُنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»

از خداوندی که مقامت را گرامی داشت و مرا به وسیله تو کرامت بخشیده است می‌خواهم، خونخواهی خون تورا، بارهبری پیروز و منصور و یاری شده از اهل بیت محمد صلی اللہ علیہ وآلہ، به من روزی دهد.

در فراز دیگری از این زیارت، همراهی و ثبات قدم در مسیر اهل بیت و خونخواهی امام حسین علیه‌السلام را از خداوند می‌خواهیم و می‌گوییم:

«فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلَيَاءِكُمْ وَرَزْقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعْكَمَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَلْغِنِي الْمَقَامَ عَنْكَمْ لِكُمْ عَنِّدَهُ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ امَامٍ هَدِيَ ظَاهِرَ نَاطِقَ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ».^۴

از خدایی که معرفت و شناخت شما و دوستان شما را به من کرامت کرده و برآشت از دشمنانتان را به من روزی داده، می‌خواهم که مرا همراه با شما در دنیا و آخرت قرار دهد و جایگاهم را نزد شما در دنیا و آخرت استوار بدارد و از او می‌خواهم که مرا به مقام ستوده ای که برای شما نزد خداست، برساند، و با امامی هدایت کننده و رهبری آشکار و حق خواه و حق گو، خونخواهی شما را روزی ام کند.

۴. المزار الكبير، ص: ۴۸۳.

۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۲



پرسش و پاسخ

بنابراین احتمال می‌رود انتخاب کوفه به این جهت باشد که عدالت مهدوی ادامه حکومت عدل علوی است و امام مهدی علیه‌السلام با قرار دادن کوفه به عنوان محل حکومت خوبیش در حقیقت راه نیمه تمام سید الشهدا علیه‌السلام را به پایان می‌رساند.^۱

• آیا امام حسین علیه‌السلام، امام مهدی علیه‌السلام را به خاک می‌سپارد؟

براساس ضوابط و احکام دین مبین اسلام، پیکر معصوم باید به دست معصوم تجهیز و تدفین شود. برای مثال، امیر المؤمنان علیه‌السلام پیکر پاک پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ و حضرت زهرا علیه‌السلام را غسل و کفن کرده است.

از این‌رو، براساس روایاتی که درباره رجعت وارد شده، امام حسین علیه‌السلام در اوخر حکومت حضرت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران باوفایش رجعت می‌کند و هنگامی که اجل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا برسد، متصدی و متولی غسل، کفن، حنوط و دفن ایشان می‌گردد.

آنگاه پروردگار عالم، امامان ازواد سید الشهدا علیه‌السلام را به آنها نشان داد و فرشتگان مسرور و شاد گشتن. یکی از آنها ایستاده بود و نماز می‌خواند، خداوند فرمود: «بذرک القائم انتقم منهُم» یعنی، به این قائم از آنها انتقام می‌گیریم.^۲

بنابراین انتقام حضرت از کافران و دشمنان اهل بیت علیهم السلام، از ناحیه خداوند است به این معنا که خداوند، به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کافرین و ظالمین را در برابر اعمال خلافی که انجام داده‌اند در همین دنیا مجازات می‌کند.

• چرا امام زمان علیه‌السلام کوفه را مرکز حکومت خود قرار خواهد داد؟

در روایات متعددی شهر کوفه به عنوان محل سکونت و مرکز حاکمیت امام زمان علیه‌السلام هنگام ظهور معرفی شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «مقر حکومتش، کوفه و مجلس حکم فرمایی اش مسجد جامع آن و بیت‌المال و محل تقسیم غنایم مسلمانان، مسجد سهلة خواهد بود».^۳

امام محمد باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «يَقْبِلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزَلَهُ» «مهدی علیه‌السلام به سوی کوفه می‌رود و منزلش را آن جا قرار می‌دهد».^۴

صالحبن ابوالأسود حناط نقل می‌کند که در محضر امام صادق علیه‌السلام ذکر مسجد سهلة به میان آمد که حضرت فرمودند: بدانید که آنجا منزل صاحب ما (مهدی موعود) است، در زمانی که با اهل و خاندانش آنجامی آیند.^۵

از مجموع این روایات فهمیده می‌شود که شهر کوفه، پایگاه اصلی فعالیت‌ها و مرکز فرمانروایی امام زمان(عج) خواهد بود پایگاهی که زمانی مقر حکومت امیر المؤمنان علی علیه‌السلام بود و امام حسین علیه‌السلام نیز به سمت کوفه رهسپار شدند و اگر یزیدیان راه ایشان را نمی‌بستند و واقعه عاشورا خ نمی‌داد، ممکن بود کوفه مرکز حکومت امام حسین علیه‌السلام قرار بگیرد.

۶. علل الشرایع، شیخ صدق، ج ۱، ص ۱۶۰، ج ۱
۷. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱
۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵
۹. الغيبة للطوسي، ص ۴۷۱
۱۰. فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۷۸

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

«امام حسین علیه السلام با یارانش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند. چنان که هفتاد نفر همراه موسی علیه السلام فرستاده شدند. آن گاه حضرت قائم عجل الله تعالیٰ فرج‌الشريف انگشت را به او می‌سپارد و امام حسین علیه السلام غسل، کفن، حنوط و

دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد». ۱۱

از این روایات نتیجه می‌گیریم که امام حسین علیه السلام، غسل، کفن و دفن حضرت مهدی علیه السلام را تجامی می‌دهد.

بعد از امام زمان علیه السلام، نیز امام حسین علیه السلام هستند که حکومت الهی را به دست می‌گیرند و سالیان درازی مردم از امامت و حکومت ایشان بهره‌مند خواهند شد. ۱۲

۱۱. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص: ۳۶۸.

۱۲. ک. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳، ح ۵۴.



* برگرفته از مقاله سید علی اصغر علوی*

از امام «ماضی» تا امام «مضارع»

خیلی‌هایه دنبال امام گذشته می‌گردند و نه حال.
دنبال امام حی و حاضر بودن، صفت کلیدی اصحاب‌الحسین
است. این شاخص در زندگی خادم حضرت ارباب، یعنی جناب
«جون» بررسی شد.

تکلیف‌گرا بودن ایشان، یک اتفاق بزرگ است، از امام علی
علیه السلام سراغ امام حسن علیه السلام رفت و از امام حسن
تا امام حسین علیه السلام را پیمودن و با امام حسین علیه السلام
همراهی کردن تا پایان خط و بیزگی ممتاز حضرت جون
است «دریهدر بودن کوی اهل بیت علیهم السلام»، زیباترین
عنوان برای زندگی حضرت جون است.

بسیاری در هر زمانه، به بهانه امام ماضی، سرخود را فرمان
امام مضارع بازمی‌کنند.

و حال آن‌که، حقیقت آن است که در زمان امام حسن علیه السلام،
امام حسین علیه السلام، حسین است و نه امام او مأمور است
و امام حسن علیه السلام امام او.

هر امام در زمان هر امام دیگری باشد، مأمور می‌شود. تکلیف
مادریافت امام زمان است: «من مات و لم یعرف امام زمانه...».

آری، شناخت امام زمان در هر برهه‌ای وظیفه هر انسانی است
که بنادرد به مرگ جاهلی نمیرد.

چرا که مرگ تبلور زندگی است و تجلی تمام زندگی در نحوه
مرگ انسان‌ها نمودمی‌باید.

کسی که به مرگ جاهلی بمیرد، یعنی تمام عمر در زندگی
جاهلی بوده است.

باید امام زمان را شناخت و با او همراه شد، مانند «جون» که
خود را به امام زمانش رساند.

قصه هم‌چنان حاری است. هنوز عده‌ای در ولایت امام قبلی
مانده‌اند و خط خود را خط او می‌دانند، این یک عنوان
پوششی بیش نیست، برای رفع تکلیف و سریاز زدن از امر امام
حی، این‌ها از امام مضارع فرمان نمی‌برند، به بهانه امام
ملخی

و حال آن‌که امام مضارع، امام امام ماضی است



زدردای و شبستان مامنورکن

* کتاب دعوا سر اولویت است
۱. ر.ک. اثر «خادم ارباب کیست؟»

بر صراط مستقیم

فرموده‌اند که در آخرالزمان این دعای فرج را که
دعای تثبیت‌در دین است بخوانیم:
يَا اللَّهُ يارَحْمَنُ يارَحِيمُ يامُقلَّبَ الْقُلُوبَ ثَبِّتْ قَلْبِي
علی دینک!

تosalat، عزاداری‌ها و زیارت قبور اهل بیت علیهم
السلام علامت آن است که اهل ایمان به آنها اتصال
دارند و هنوز از آن منحرف نشده‌اند
از حسین تام‌هدی علیهم السلام بر صراط مستقیم.

۱. کمال الدین، جلد ۲، ص ۳۵۲

من مانی یا من روی ...
یادداشت

پرچم روی زمین نمی‌ماند
مقاله

کلهم نور واحد
دلنوشه

مصیبت هزار ساله
کتاب‌گردی

آلیوم عاشورا، از حسین تا مهدی
معرفی کتاب
تو را من چشم در راهم
راهنمای



می‌ملنی یا می‌روی؟



بسم رب الحسین

نه! والله تا آن گاه که این نیزه را در سینه دشمن نشکسته‌ام و شمشیرم را بر فرق دشمن خُرد نکرده‌ام، دل از تو بربخواهم کند و اگر مرا سلاхи نباشد، با سنگ به جنگ آنان خواهم آمد تا با تو کشته شوم."

و سعیدین عبدالله‌حنفی به پا خاست و گفت: "قسم به ذات خداوند که واگذارت نخواهیم کرد تا او بداند و ببیند که ما احترم پیامبر ارشاد در حق تو که فرزند و وصی او هستی، حفظ کردیم، والله اگر بدانم که کشته خواهیم شد، آنگاه جان دوباره خواهیم یافت تا پیکر را زنده بسوزانند و خاکسترم را بر باده‌ند و این کردار را هفتاد بار مکرر خواهند کرد تا از تو جدا شوم، دست از تو برخواهیم داشت تا مرگ را در خدمت تو ملاقات کنم، و اگر این چنین است، چرا از شهادت در راه تو روی برتابیم با آن که جزیک بار کشته شدن بیش نیست و کرامتی جاودانه رانیز به دنبال دارد؟"

فکرش را بکن...!

تابه حال خود را در این شرایط با امام زمانت تصور کرده‌ای؟ فکر کن اصلاح امام زمان علیه‌السلام ما را این‌گونه مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: من از تو راضی‌ام و فدارت را از تو نمی‌شناسم و شفاعت می‌کنم، خدا تورا جزای خیر نهد. اکنون این زمانه را شتره‌هول خویش بگیر و برو. برو برای خودت زندگی کن. برای من جهاد نکن، کار نکن، عرق نریز و جان مده آبرونده.

امام نزدیک غروب آفتاب تاسوعاً، اصحاب خویش را گرد آورد تا با آنان سخن‌بگوید:

"اما بعد... به راستی من نه اصحابی را بهتر و وفادارتر از اصحاب خویش می‌شناسم و نه خانواده‌ای را که بیش از خانواده‌ام بر برآ و نیکوکاری و حفظ پیوند خانوادگی استوار باشند. خداوند شما را از جانب من بهترین جزای خیر عنایت فرماید. اگاه باشید که من پیمان خویش را از ذمه شما برداشتیم و اذن دادم که بروید و از این پس مرابر گرده شما حقی نیست. اینک این شب است که سر می‌رسد و شما را در حباب خویش فرومی‌پوشید. شب را شتر رهوار خویش بگیرید و پراکنده شوید که این جماعت مرا می‌جویند و اگر بر من دست یابند، به غیر من نبردازند."

سخن چون بدین جاریه، یاران را دل از دست رفت و به زبان اعتراض و اعتذار گفتند: "چرا برویم؟ تا آن که چند روزی بیش از تو زندگی کنیم؟ نه، خداوند این ننگ را از مادر کند. کلش ما را صد جان بود که همه را یکایک در راه تو می‌دادیم. "نحس‌تین کسی که به این کلام ایتنا کرد، عباس بن علی بود و دیگران از او پیروی کردند. غلیان آتش درون، زلزالی شد که کوه‌های بلند را به لرزه‌انداخت و صخره‌های سخت را شکافت و راه آتش را باز کرد. مسلمین عوشه بر پا ایستاده گفت: "یا بن رسول الله! آیا ما آن کسانیم که دست از تو برداریم و پیرامون تو راه‌ها کنیم، در هنگامه‌ای که دشمن این چنین تورادر محاصره گرفته است؟ مگر مارادر پیش گاه حق عذری در این کار باقی است؟"

عباس علیه السلام می‌شوی؟!

وچه زیباسخن گفتند: "برویم تا چند روزی بیش از توزندگی کنیم؟" و چه حقیر شمردنند زندگی بی امام، بی صاحب و بی مولایشان را. مگر روز بی اریابه ارزش زندگی کردن هم دارد؟ اصلاً مگر ما بلدیم بدون ولی و سپریستمان زندگی کنیم؟ مگر بدون پدر می‌شود قدم برداشت؟ مگر همه آزویمان وصل امام و حجت خدا نبود؟ مگر نبود که آزوی تمام قد برای قائم‌مان قیام کردن شده بود رویای شب و روزمان؟ و مگر جز کار و عرق ریختن خالصانه برای او چیزی از خداخواسته بودیم؟ حالاً چگونه می‌شود که...

حتی فکرش هم آدم را می‌ترساند تا چه می‌کنی، حقیقت؟ می‌مانی تمام قدو و همه چیزت را برای مهدی علیه السلام به زمین می‌کویی، یا می‌روی؟ خودت بین که جو باش را چه می‌دهی، یا بگذار اینگونه بگوییم؛ تو چندمین نفری هستی که جواب می‌دهی؟

عباس علیه السلام می‌شوی که اولین نفر، بدون لحظه‌ای تردید قدر عالم کنی؟



لحظه‌ای بدون او..

حقاً که صحنه بی نظیری است اچه عاشقانه، با همه وجود خود را به پای امام می‌اندازند و می‌گریند و التملس می‌کنند تا چطور؟ خودت را اینگونه به پای امام می‌اندازی و بیم در رکاب امام نبودن و لحظه‌ای بدون او بودن، چهارستون بیست را می‌لرزاند؟ خوب دقت کن امام می‌گوید خدا تو را بیامرزد امام از توارضی است و نه امروز فرمایشی در کار است و نه مطالبه‌ای

از نافع‌بن‌هلال روایت کرداند که گفته است: "آن گاه امام بازگشت و به خیمه زینب کبری سلام الله علیها رفت و من نگاهبانی می‌دادم و شنیدم که زینب کبری سلام الله علیها می‌گوید: "برادر، آیا اصحاب خوبیش را آزموده‌ای؟ مبادا هنگام دشواری دست از تو بردارند و در میان دشمن تنها یت بگذارند... و امام در پاسخ او گفت: "والله آنان را آزموده‌ام و نیافتم در آنان جز جنگ جویانی دلاور و استوار که با مرگ در راه من آن‌چنان انس گرفته‌اند که طفلی به پستان‌های مادرش."

در آن حال محمد بن شیر حضرمی را گفتند که پسرت را در سرحدات مملکت ری به اسارت گرفته‌اند و او گفت: "اعوض جان او و جان خویش، از پروردگار، جان‌ها خواهمن گرفت. دوست نمی‌داشتم که او را اسیر کنند و من بمانم." یعنی چه خوب است که اسیری او زمانی رخ نموده است که من نیز دیری در جهان نخواهیم پایید. امام که مقال او را شنید، گفت: "خدایت رحمت کنند، من بیعت خویش را از تو برداشتم. برو و فرزند خویش را از اسارت برهان، او جواب داد: "درندگان بیابان مرا زنده بدرند اگر از توجدا شوم و تو را در غربت بگذارم و بگذرم، آن وقت خبرت را از شتر سواران راه گذر بازپرسم؟" نه هرگز این چنین نخواهد شد! در ساعات آغاز شب، نافع‌بن‌هلال که به پاسداری از حرخ خیمه‌ها ایستاده بود، امام را دید که در تاریکی از خیمه‌ها دور می‌شود. او که آمده بود تا پستی‌ها و بلندی‌های زمین پیرامون خیمه‌گاه را بسنجد، دست نافع را که شتاب زده خود را به اورسانده بود در دست گرفت و فرمود:

"والله امشب، همان شب میعاد تخلف ناپذیر است. آیا نمی‌خواهی در دل شب به دره میان این دو کوه پناهندۀ شوی و خود را از مرگ برهانی؟" امام بار دیگر نافع‌بن‌هلال را آزموده بود، نه برای آن که از حال دل او خبر بگیرد بل تا ارائه مرز یقین بکشاند و از شرک و شک و خوف برهانند. نافع‌بن‌هلال خود را بر پاهای امام انداخت و گفت: "مادرم بر من بگریدا من این شمشیر را به هزار درهم خریده‌ام، آن اسب رانیز به هزار درهم دیگر. قسم به آن خدایی که با حب شما، بر من منت نهاده است، بین من و شما جایی نخواهد افتاد مگر آن وقت که این شمشیر کُندشود و آن شمشیر خسته."

پرچم روی زمین نمی‌ماند

بررسی پیوند بین امام حسین و امام مهدی^{علیه‌السلام}

سیده زهرا حسینی

از نوای غربانه استغاثه امام حسین علیه‌السلام، سال‌ها و قرن‌ها می‌گذرد، اما انعکاس آن را می‌توان در لحظه لحظه تاریخ به گوش جان شنید. این فریاد نه تنها روبه خاموشی و افول نگذاشته، بلکه هر روز رستور و پرصلابت‌تر، خروش و جوشش آزادگان عالم را افزوده است.

گویا امام حسین علیه‌السلام سال‌ها و قرن‌ها چشم به راه دوخته و به انتظار نشسته است؛ تا امام عصر علیه‌السلام نداش را پاسخ گوید و پرچم به زمین ماندهاش را به دوش گیرد. روز ظهور، هنگام پاسخ به استغاثه مظلومانه امام حسین علیه‌السلام است و حضرت مهدی علیه‌السلام پاسخ دهنده آن به راستی، چه رمزی مهرسکوت بر لبان بسته؛ و چه سری در این میان رخ پنهان کرده است؟ چرا هرجا سخن از حسین علیه‌السلام است، نام حضرت مهدی علیه‌السلام نیز رخ می‌گشاید؟ چرا عاشورا روز "ظهور" است و یاد حسین علیه‌السلام آغازین کلام امام مهدی علیه‌السلام...؟

در این عالم، به جهت نظمی که خداوند متعال در آن قرار داده است، بین همه اجزا و افراد عالم، ارتباط و پیوند تنگاتنگی وجود دارد. در این رابطه اساسی ترین پیوند، پیوند اهل بیت علیهم السلام با تمام هستی از ابتدای خلقت تا پایان تاریخ است و در این میان، ارتباط با امام مهدی علیه‌السلام بسیار چشمگیر و دقیق است. از آدم تا خاتم و از علی علیه‌السلام تا مهدی (عج)، چشم انتظار دولت او هستند.

در تمام دوران سرنوشت‌ساز تاریخ، سخن از منجی موعود بوده است در این میان پیوند بین امام حسین و امام مهدی علیهم السلام رنگ و بوی دیگری دارد؛ اگر شباهت‌های بین این دو امام همام مشخص گردد عمق این پیوند هویدامی شود.

از شباهت‌های این دو معصوم که در برخی از منابع موثق شیعه بیان گردیده است می‌توان به اجمال به موارد زیر اشاره نمود:
در قرآن: در قرآن آیاتی وجود دارد که معصومین علیهم السلام آنها را به امام حسین و امام مهدی تاویل فرموده‌اند و خود این دو امام نیز درمورد هم، آیاتی را ذکر نموده‌اند.

در روایات: با توجه به احادیث رابطه دقیق و عمیق بین عاشورا و انتظار نمایان می‌شود، در حقیقت عاشورا و انتظار بدون یاری از یکدیگر، بی‌مایه و بدون هویت است.

در ادعیه وزیارات: با بررسی ادعیه وزیارات، به ارتباط وثیق و تنگاتنگ میان این دو نور پاک برخورد می‌شود و پیوند ایشان بیش از پیش نمایان می‌گردد.

همراه تشرفات: در تشرفات فراوانی، دلدادگی و پیوند امام عصر(عج) با امام حسین علیه‌السلام منعکس شده است در این دیدارها، امام مهدی علیه‌السلام به زیارت و عزاداری و پرپایی مجالس امام حسین علیه‌السلام تاکید ویژه‌ای نموده‌اند.

برای روشن شدن مطلب برای هر قسمت شاهد مثالی ارائه می‌گردد

در آینه قرآن کریم

در قرآن حکیم آیات بسیاری یافته می‌شود که ارتباط و پیوند بین امام حسین علیه‌السلام و حضرت مهدی (عج) برقرار می‌نماید. در این میان به سه آیه و روایت مرتبط به آن اشاره می‌شود. امام مهدی علیه‌السلام اولین آیه سوره حضرت مریم سلام‌الله‌علیها را به امام حسین علیه‌السلام تاویل نموده است.
سعدهن عبدالله قمی گوید: به امام عصر(عج) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! تاویل آیه "کهی‌عیص" چیست؟
فرمود: این حروف از اخبار غیبی است که خداوند زکریا را از آن مطلع کرده و بعد داستان آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله باز گفته است.^۱

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۰، ح ۲۱



امام زمان علیه‌السلام القاب مبارکی دارند که برخی از آن‌ها مستقیماً با "اعشورا" در ارتباط است. یکی از القاب مبارک حضرت قائم^۱ می‌باشد که در بیشتر روایات شیعه وارد شده و اشاره مستقیم به قیام و انتقام حضرت مهدی علیه‌السلام از قاتلان جد بزرگوارش دارد. در روز ظهور اولین کلام امام، یاد امام حسین علیه‌السلام است و ایشان با اولین نداهای خویش نام جد بزرگوارش را زنده می‌کند.^۲ و یاران امام مهدی علیه‌السلام به پیروی از امام خویش شعار "یالشارات الحسین" سر می‌دهند و درجهٔ انتقام خون پاک ایشان گام برمی‌دارند.^۳

در آینه ادعیه و زیارات

امام مهدی علیه‌السلام در برخی اوصاف و ویژگی‌ها و سیرت جد بزرگوارشان امام حسین علیه‌السلام در زیارات ناحیه مقدسه کلام های عمیق و بلندی دارند که سرشار از دلدادگی و محبت ایشان است. زیارت ناحیه مقدسه یکی از ادعیه‌های هست که بیانگر عمق ناراحتی جانسوز حضرت مهدی علیه‌السلام است و در این زیارت نکات ناب‌بسیاری به چشم می‌خورد که واقعه عاشورا را به تصویر کشیده و روایت کرده است. یاد و نام یکی از دو امام بانام و یاددیگری قرین و عجین است از امام زمان علیه‌السلام، سیدالشهدا طلب می‌گردد و از سیدالشهدا علیه‌السلام، امام زمان. با بررسی ادعیه و زیارات، می‌توان به رابطه‌ای بسیار عمیق بین امام حسین و حضرت مهدی علیه‌السلام پی برد که نشانگر علاقه و حب شدید این دونور الهی می‌باشد.

در روز میلاد امام حسین علیه‌السلام از حضرت مهدی علیه‌السلام یاد می‌گردد^۴ و در نیمه شعبان و سالروز میلاد آخرین منجی، زیارت عاشورا تاکید می‌شود. محدث قمی در مفاتیح الجنان می‌نویسد: با فضیلت تربیت اعمال شب نیمه شعبان که باعث امرزش گناهان است زیارت امام حسین علیه‌السلام است. در دعای ندب، هر لحظه یاد امام حسین علیه‌السلام را زنده کرده به طوری که ندب کنندگان امام مهدی علیه‌السلام منتظران منتقمل آن محمدنده تا تقاض خون به ناحق ریخته فرزند فاطمه سلام الله علیها را بگیرند.

^۱. معجم احادیث الامام المهدی عج، ج ۳، ص ۱۸۱

^۲. نجم الثاقب، ص ۴۶۹

^۳. مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان

حضرت ذکریا از خداوند برای یادگیری اسماء خمسه طیبه در خواستی نمود که خدای تعالیٰ او را ازین داستان آگاه کرد و فرمود: "که یعص!" کاف "اسم کریلا و "هاء" رمز شهادت عترت طاهره است و "یاء" نام یزید قاتل حسین علیه‌السلام و "عین" اشاره به عطش و "صاد" نشان صبر او است.

همچنین امام حسین علیه‌السلام آیت اولیه سوره شمس را به امام مهدی علیه‌السلام تاویل نموده است:

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: حارث اعور به امام حسین علیه‌السلام عرض کرد: ای زاده رسول خدا! دایت شوم، مرآ از معنای آیه شریفه "والشمس و ضحی‌ها" مطلع ساز. حضرت فرمود: مراد از خورشید، رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسات.

پرسید: فدایت شوم؟ منظور از آیه شریفه "والقمر اذا تلیها" چیست؟ فرمود: منظور از ماه، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام است که بعد از پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسات می‌باشد. گفت: مقصد از آیه شریفه "والنهار اذا جلیها" چیست؟ فرمود: مقصد از روز، قائم‌آل محمد علیه‌السلام است که زمین را پراز قسط و عدل کند.^۵

درس‌سورة اسراء آیه ۳۳ نیز به ارتباط امام مهدی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام اشاره گردیده است، در این آیه کسی که مظلومانه به قتل می‌رسد امام حسین علیه‌السلام است و کسی که در طلب انتقام خون ایشان قیام می‌کند، امام مهدی علیه‌السلام است.

چنانچه در تاویل این آیه شریفه به امام حسین و امام مهدی علیه‌السلام شش روایت وارد شده است.^۶

در آینه روایات و احادیث

در روایات و احادیث، درک حقیقت عاشورا و انتظار بدون یاری از یکدیگر، بی‌مایه و بدون هویت است. حضرت مهدی علیه‌السلام فرزند و وارث امام حسین علیه‌السلام است و قیامی که برای آزادی جهان صورت می‌پذیرد بدون در نظر گرفتن فرهنگ و نهضت نینویان فراغم است. در احادیث رابطه‌ای دقیق و عمیق بین عاشورا و انتظار نمایان است.

شیعه رمز بقا، تلاش و حرکت خود را "کریلا" و سر پایداری و ماندگاری را "ظهور" می‌داند و همواره شعارش این است: "کل یوم عاشورا و کل ارض کریلا".

در بیش از سیصد روایت، وارد شده که امام مهدی علیه‌السلام نهمین فرزند امام حسین علیه‌السلام است؛ که مجموع روایت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسات به تنها یکی در این زمینه به یکصد و هشتاد و پنج حدیث می‌رسد.^۷

در بیش از صد و نهضت نینویان فراغم است. در بیش از ۲۲۷ صفحه از احادیث از این احادیث از زبان الله علیہ امعرفی شده است که بخشی از این احادیث مبارک امام حسین علیه‌السلام بیان شده است.^۸

^۱. معجم احادیث الامام المهدی ۳، ج ۵، ص ۴۹۵

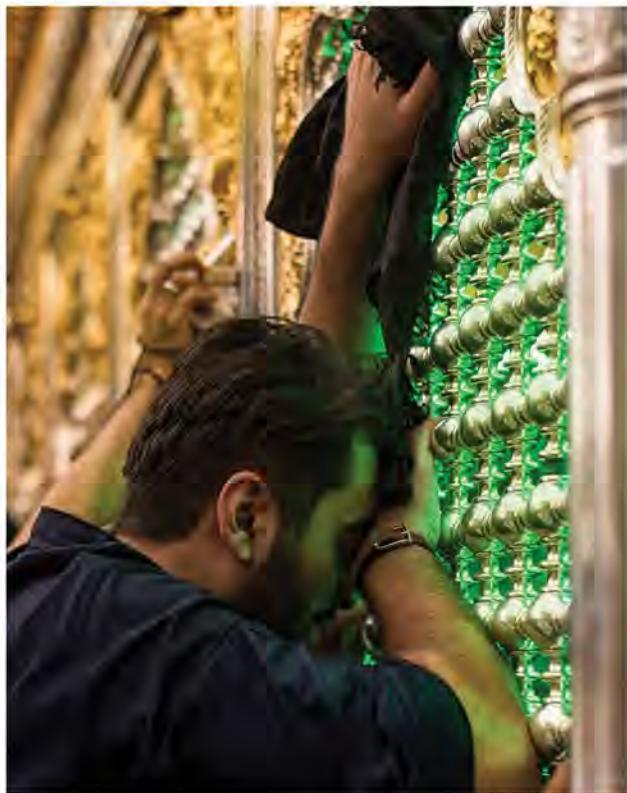
^۲. معجم احادیث الامام المهدی عج، ج ۵، ص ۲۲۷

^۳. منتخب‌الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۲۵۴

^۴. همان، ص ۲۴۷



بررسی پیوند امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام



در زیارت عاشورا، زائر مشارکت در خون خواهی امام حسین علیه السلام به وسیله امام مهدی علیه السلام را طلب می کند. دل عزاداران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به عشق ولی عصر(عج) می تپد و ذکر قیام ابا عبدالله علیه السلام با یاد امام زمان علیه السلام توأم است.

اعظم الله اجرنا بمصابنا بالحسين وجعلنا واياكم من الطالبين بشاره مع ولی الامام المهدی من آل محمد علیهم السلام".

در آینه تشرفات

علاوه بر ادعیه و زیارات، در تشرفاتی که به محضر قطب عالم امکان حضرت مهدی علیه السلام اتفاق افتاده، دلدادگی و پیوند امام عصر(عج) و امام حسین علیه السلام منعکس شده است. سفارشات متعددی که از طرف امام مهدی علیه السلام بیان گردیده رابطه مستقیم با جد بزر گوارشان دارد.

امام مهدی علیه السلام سفارش به زیارت امام حسین علیه السلام و حضور در آستان و حرم مبارک ایشان نموده اند.^۹ و خود ایشان نیز توجه ویژه ای به این آستان دارند.^{۱۰} همچنین سفارش اکید به برگزاری مواسمات عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام دارند و خود در این مراسم خالصانه شرکت می نمایند.

امام زمان علیه السلام صاحب واقعی مجالس ذکر و عزاداری امام حسین علیه السلام است و بدون تردید به مجالسی که مخلصانه برگزار گردد عنایت و توجه ویژه ای دارد.^{۱۱} و سفارش امام مهدی علیه السلام به خواندن زیارت عاشورا، نشانگر ارتباط عمیق ایشان با امام حسین علیه السلام است.^{۱۲}

عاشورا پشتونه فرهنگی عصر غیبیت و استراتژی انتظار است. تکلیف بسیار حساس و خطیری متوجه تمامی شیعیان است. از پیوند ظهر عاشورا با ظهور آخرین حجت حق، بهترین فرصت حاصل می شود تا اندیشید و فرهنگ غنی شیعه را تبیین و پالایش نمود و به فکر الگو سازی در این دو مسیر بود. مشابهت یاران هر دو قیام و اشتراک اهداف هردو نهضت؛ بهترین عرصه را برای حضور و ظهور معمصوم فراهم می آورد. نباید از وجود امام عصر(عج) غافل بود و سرگرم دنیا و حتی غرق در عبادت بدون ولایت بود؛ زیرا که بیم آن می رود همانطور که امام حسین علیه السلام در میان خیل مسلمانان تنها ماند، امام مهدی علیه السلام نیز در میان انبوهی از شیعیان تنها بماند. در مجالس و عزاداری هایی که برای امام حسین علیه السلام برگزار می شود باید از امام مهدی علیه السلام سخن گفت و از ایشان غافل نشده؛ زیرا در بسیاری از مجالس فقط به دعایی برای حضرت اکتفا می شود و شاید بدتر از این، مسائل حاشیه ای یا انحرافی مطرح می گردد که باعث تشویش اذعان عمومی گردد.

باید مطالب ناب و صحیح در مورد امام مهدی علیه السلام در مجالس عزاداری عاشورایی مطرح شود تا مردم با قیام و نهضت ایشان آشنا شده و بطور کامل ایشان را بشناسند تا دشمنان نتوانند با مطالب انحرافی راه شیعه را در جار خطا نمایند.

مجالس امام حسین علیه السلام بخارط ویژه بودنش مورد توجه است؛ زیرا از هر قشر و طایفه ای با هر زبان و گویشی در این مراسم شرکت می کنند و بستر سیار مناسی برای زیینسازی شرایط ظهور می باشد، ولی قبل ذکر است که از همه مراسمات و گردهمایی های شیعیان باید برای زمینه سازی ظهور، بهره گرفت.

راه قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام از کربلا و عاشورا می گذرد. کسی که منتظر ظهور است و می خواهد شرایط و زمینه های ظهور را فراهم نماید باید با عاشورا و کربلا آشنا گردد، عجین شود تا به بهترین نحو زمینه سازی نماید.

۹. داستان حاج علی بن دادی در مفاتیح الجنان ص ۷۹۸

۱۰. غیبت طوسی، ص ۱۸۸

۱۱. الغدیر، علامه امینی، ج ۷، ص ۱۴

۱۲. داستان سیدرشتی، نجم الثاقب ص ۶۰

کلّهُمْ نورٌ وَاحِدٌ

الْكَلَّهُمَّ إِنَّكَ
زَهْرَاهَدِيَتِي يَا قَانُونَ الْمُحَكَّمِ

شما نور خوبان و هادیان نیکان و حجت‌های خدای جبارید، خدا با شما آغاز کرد و با شما ختم می‌کند و به خاطر شما باران فرو می‌ریزد و تنها برای شما آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتاد نگاه می‌دارد، مگر با اجازه خودش. و به وسیله شما اندوه را می‌زداید و سختی را بر طرف می‌نماید و نزد شماست آنچه را بر رسولانش نازل فرموده و فرشتگانش به زمین فرود آورده‌اند و به جانب جد شما. *

* زیارت جامعه کبیره

بکم فتح الله و بکم یختم ...

که به نام شما، که به اذن شماست هر شروع و هر پایانی ...

شمایی که "کلم نور واحد" اید، چه پیشوای سرخ عاشورایی باشید چه پرچمدار سبز ظهور، نگاهتان "صبغة الله" است.

دست در دست هر کداماتان بگذاریم ، عاقبتمان سپید است و دل به هر کداماتان بسپاریم روزی مان حب‌الله خواهد بود که "و من أحبكم فقد أحب الله" و طعم نگاه هر کداماتان را که تجربه کنیم، شیرین‌ترین خواهد بود در مرارت روزمرگی‌هایمان ...

غدیر، عاشورا و ظهور مراحل "سیر الى العشق" است ...

بذیری که در غدیر کاشته شد در عاشورا با خون آبیاری شد و جو لئه زدتاروزی در ایام حضرت صاحب‌العصر عجل‌الله‌تعالی فرج‌الشیریف درخت تنومند پرثمر شود ... و کسی به میوه شیرین ظهور خواهد رسید که دل در گرو غدیر و عاشورا داشته باشد.



مصیبت هزار ساله

المصیبت هزار ساله

وقتی تأمل می کنیم می بینیم که تمام قضایای امام حسین علیه السلام در یک روز واقع شد و وقتی مردم کوفه و بصره از قضیه قتل آن حضرت مطلع شدند، ناراحت شدند و از ابتدای آن حضرت و شهادت و اسارت اهل بیت علیهم السلام، خدا می داند که اهل ایمان چقدر ناراحت بودند، به حدی که گویا باورشان نمی شد. در طول این مدت دل اهل ایمان خون بود. اما ما بیش از هزار سال است که

گرفتاریم و حضرت حجت علیهم السلام

گرفتار است و دشمن هانمی گذارند
باید او را حبس کرده اند.

آیا حبسی از این بالاتر که
تواند خود را در هیچ
آبادی نشان دهد و
خود را معروفی کند؟

در این مافوق هزار
سال که آن حضرت
در زندان است، خدا

می داند که قلوب
اهل ایمان چقدر

خون است آیا
شایسته است که

حضرت غائب (عج) در
مصطفی و گرفتاری شبیه

قضیه حسین بن علی
علیهم السلام، به این مدت

طولانی گرفتار باشد و ما
برقصیم و شادی کنیم؟!



میراث اهل بیت علیهم السلام

این همه و دایع، کتب، مخازن علم^۱، روایات و ادعیه در اختیار ما گذاشته اند، به گونه ای که اگر کسی بخواهد امامی را حاضر بباید با صدایش را از نوار گوش دهد یا در خدمتشان باشد تا مطالب آنها را استماع^۲ کند (نه اینکه خود در محضر آنها صحبت کند) بهتر از این ها پیدا نمی کند. همه چیز در دسترس ماست ولی حالمان مانند حال

کسانی است که هیچ ندارند؛ نه به قرآن قائل اند نه به عترت و نه روایات آنها را قبول دارند اگر ائمه اطهار علیهم السلام حاضر بودند، باز باید به همین روایاتشان عمل کنیم

لابد عذر مان این است که در صورت حضور آنها هم مجبور نمودیم از آنها پیروی کنیم و به حرفاشان گوش کنیم، چنانکه در طول تاریخ امتحان داده ایم که در زمان حضورشان قدردان آن هانبوه ایم!

تاریخ تکرار می شود.

انسان هر راهی را بدون تقید و پایبندی به قرآن و سنت برود، روز به

روز تنزل می کند و تاریخ از جمله قضایای

سقیفه^۳ و پیامدهای آن، مانند واقعه طوف هر روز تکرار می شود؛

زیرا هر روز حقی غصب یا احراق می شود و همیشه حق و باطل مثل حسین علیهم السلام و یزید وجود دارد و کار مردم هم

یا جنگ در کنار یزید و یا در رکاب امام حسین علیهم السلام است

بنابراین، انسان باید هر روز موضع خود را مشخص کند که آیا اهل حق است یا باطل و پیرو آن.

برگرفته از کتاب رحمت واسعه

بیان خصایص رحمت واسعه خدا، حضرت سید الشهدا، علیهم السلام در اشارات حضرت آیت الله العظمی محمد تقی بهشت

معرفی کتاب ویژه ماه محرم



افرادی که کار روزانه دارند مثلاً کارمندان اداری، کارگر، کاسپ و یا کشاورز هستند وقتی به خانه می‌آیند، بخشی از زمان را ولونیم ساعت برای کتاب خواندن بگذرانند. کتابخوانی باید یک سیره و سنت رایج بین مردم مابشود. کتاب بخوانند و بفرزندانشان هم یاد بدهند.

مقام معظم رهبری ۱۳۷۲/۰۲/۲۱.

آلبوم عاشورا

"آلبوم عاشورا" انعکاسی از لحظه‌های حمامه آفرين سیدالشهدا است که با استناد به منابع متعدد و کهن و بهره جستن از نشری روان و ادبی به تصویر کشیده شده است. برگ برگ این آلبوم سرخ، تصویرهایی از شجاعت، مردانگی، ظلم‌سازی، ایشان، عرفان، توحید و خصلت‌های والای انسانی را پیش چشم خواننده می‌نهد.

این کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای توسط "بوستان کتاب" چاپ و روانه بازار شده است. ناخدای تشته، ساحل اشک، دو قسمتی است که به حداثه کربلا و بعد از آن می‌پردازد:

"لحظه‌ای بعد، پیک مسلم سوار بر اسب از مکه دور می‌شود و تو در غبار این سفر، روح یک حمامه سرخ را به تماشامی نشینی...".
کنار خیمه عباس ایستاده‌ای. دلت نمی‌خواهد به سمت فرات نگاه کنی و ابوالفضل را در محاصره لشکری هزار نفره ببینی. دلت نمی‌خواهد او را نهانمیان هزاران جنگ جوی مسلح تماشانکی؛ اما صدای عباس آرزو دارد که به گوش تو برسد: "یا اخادرک اخاک..."
می‌رسی و عباس را می‌بینی اما چه دیدنی؛ کدام عباس؟ چشمانی غرق به خون...".



از حسین تا مهدی

"از حسین تا مهدی" کتابچه‌ای مختصر است که نوسنده آن سعی کرده ارتباط بین امام حسین و امام مهدی علیهم السلام را در دو بخش با عنوان پیوندها و رهیافت‌ها بررسی و ارائه دهد. در بخش اول که حجم زیادی را بخود اخلاص داده، این پیوند برای مخاطب به نمایش گذاشته می‌شود و در بخش دوم که رهیافت‌ها است به فرستها، تهدیدها، بیمه‌ها و امیدهای موجود در جامعه نسبت به مهدویت و عاشورا به صورت اجمال پرداخته می‌شود.

در انتهای این مطلب مطالعاتی در این موضوع را به شما گزارش می‌دهد. این اثر توسط انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) به زبور طبع آراسته شده است.

در مقدمه این کتاب می‌خوانیم:
چرا یاد امام حسین علیهم السلام همیشه و همه جا، همراه و هم پای یاد حضرت مهدی علیهم السلام است؟
چرا هر جا سخن از حسین علیهم السلام است، نام حضرت مهدی علیهم السلام نیز رخ می‌گشاید؟ چرا عاشورا روز «ظهور» است و یاد حسین علیهم السلام آغازین کلام مهدی علیهم السلام...؟





از عاشورا تا اربعین

در چهل روز پیش روتلاش می‌کنیم برای:

- * بیان «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز هر کار
- * نماز مودبایه و اول وقت (آقامه نماز در اول وقت و با طمائینه، گفتن ذکرهای نماز به صورت شمرده و انجام ارکان نمازیه صورت کامل)
- * دوری از ظن بد و دفع فکر بد در مورد دیگران و خودداری از قضایتیات افکار و اعمال دیگران
- * مطالعه روزانه قرآن به قدر توان و با ترجمه و تأمل.
- * خواندن زیارت ناحیه مقدسه
- * خواندن دعای فرج (الهی أعظم البلاء...)
- * برپایی مجالس روضه و یا شرکت در مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و نذر ثواب آن برای تعجیل در ظهور امام زمان (عج)
- * ختم صلوات روزانه همراه با «وعجل فرجهم» به نیت تعجیل در امروز امام زمان (عج)
- * تلاش در جهت یادگیری یک یا چند مهارت و تخصص بانیت کار خالصانه در جهت تعجیل در امر فرج و یاری امام عصر (عج)
- * تلاش در جهت تکریم هر چه بیشتر پدر و مادر و احترام به آنها
- * اختصاص یک زمان مشخص در هفته به مطالعه و تحقیق در خصوص امام زمان (عج)
- * تشریف به اماکن و بقاع متبرکه و مزار شهداء و دعا و تضرع به درگاه الهی در آن مکان های مقدس برای تعجیل در ظهور حضرت
- * دستگیری از نیازمندان و ایتمام خویشاوند در راستای جلب رضایت حضرت
- * اهتمام به دائم الوضوء و بدن
- * گفتن ذکر مقدس «اللهم عجل لولیک الفرج» در طول روز

برای این انقلاب و قیام آمده‌ای؟!

وقتی حق ولایت مولا یمان امیرالمؤمنین علیه السلام غصب شد بعد از ۲۵ سال خانه‌نشینی، این مردم بودند که با هجوم به منزل ایشان و بیعت با آن حضرت، انقلابی را به وجود آورده‌اند که باعث ظهور حق خلافت شد و امام علیه السلام بیانی را در آن لحظه فرمودند که تحقق آن در این زمان موجب فرج سریع امام زمان (عج) خواهد شد؛ فرمایش ایشان این بود:

«لولا حضور الحاضر و قيام الحجه بوجود الناصر»

اگر نبود حضور (بیعت کنندگان) و قیام حجت (امام زمان هر زمان) به وجود ناصران (یاری کنندگان) خلافت را رهایی کردم.^۱

فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام به این معناست که حضور مباری یاری امام زمان علیه السلام حتماً باعث قیام حجت بر حق خواهد بود و هجوم ما همانند مردم مدینه اعم از عارف و عاصی، عالم و جاهل، خاص و عام، ذاکر و غافل و... که دور آن حضرت را گرفتند، آن چنان باید گسترش و همراه با شور و شوق و گریه و التماس و ضجه و ناله باشد که موجب فرج عاجل مولا یمان بقیه الله العظیم (عج) گردد و ایشان با وجود این همه یاری کنندگان قیام نمایند و در این حضور شورانگیز هیچ مقدمه‌ای به غیر از توجه به ضرورت این انقلاب و قیام نباید مورد نظر قرار گیرد. راستی چقدر به این ضرورت پی برده‌ای و چقدر خودت را برای این انقلاب و قیام آمده کرده‌ای؟!

پایان سخن

اما معبودا...
تدبر نگاهم با تو...
حال را عوض کن...
به آن گونه که حال خوش می‌خوانی آن را
در میان زمزمه آیات و اذکار نابت...
ثبت قلبی على دینك! یا کریم
الله عرفی جنتك...
...

* سجاد سامانی



امام جواد(عليه السلام):

افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج

برترین اعمال شیعیانمان انتظار فرج است

غیبت نعمانی ص ۱۸۰



amanmag.mahdaviat.ir

